



Analysis of Immovable Waqf Changes in Qajar Period, Case Study: Astan Quds Rasavi

Mostafa Farzaneh 

Ph.D. Candidate in Political Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: tahafarzaneh@gmail.com

Vahid Shalchi 

*Corresponding author, Associate Professor of Sociology, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: shalchi@atu.ac.ir

Majid Fouladiyan 

Associate Professor of Sociology, Faculty of Letters and Humanities, Department of Social Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. E-mail: fouladiyan@um.ac.ir

Abstract

Objectives: This article tries to analyze the changes of Waqfs while presenting a clear description of the Waqfs of Astan in Qajar, identifying the peak points of Waqfs and its influential components.

Methodology: It has used social history and some theoretical approaches, descriptive-analytical historical method, and interviews.

Finding: The annual average of immovable Waqfs in Qajar is about one and a half pieces. The most frequent are as follows: Special expenses are 73 percent and 17.66 percent for Khodam, 36.62 percent of cases are farms. 69.52 percent is located in Khorasan. 45 percent of the donors of this age belong to the upper middle class. 35 percent have left the responsibility to Astan and 62 percent have not appointed a supervisor. The annual average of Waqfs during the times when one person was the Custodians and governor was 3.88, pieces While for the years when he was only a Custodians, it was 1.31. In twenty-five years, in line with 27 percent of the total actions of the Custodians, about half of the Waqfs have been established. In addition, the character of six of the Custodians was evaluated as positive, two as average and two as weak. Compared to two decades of waqf decline in which the actions of the Custodians accounted for 15 percent of the total actions, the character of four Custodians was evaluated as positive and four as weak. 84 percent of the years of the Nasser period were stable, the highest waqf amount with an annual average of 2.7 percent is related to this period and the change in the majority of the transfer of Custodians in favor of Astan is also from the Nasser age.

Conclusion: Having social status, to be evaluated positively, the action of the king that leads to religious trust, Social stability and organizational order of Astan, the social position and performance of the Custodians, who have social reflection and the ability to gain trust, have had

positive impact on the developments of Waqf. In other words, if the governor or Custodians has a reliable, powerful personality and has a high social identity, while having executive experience, it was more effective in attracting and maintaining Waqfs. In the cities that have the highest amount of endowments, in addition to financial ability, cultural affinity and historical history have had a positive effect. However, the instability did not create a permanent obstacle for the Waqf, rather it reduced its dispersion. Although the concept of "felt needs" is suitable for explanation, it should be considered in the context.

Keywords: waqf, Qajar, Astan Quds, social history

Article type: Research

How to cite:

Farzaneh, M., Shalchi, V., & Fouladiyan, M. (2023). Analysis of Immovable Waqf Changes in Qajar Period, Case Study: Astan Quds Rasavi. *Library and Information Sciences*, 26(4), 281-312.



ARTICLE INFO

Article history:

Received: 04/10/2023

Received in revised form: 25/10/2023

Accepted: 02/11/2024

Available online: 17/03/2024

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2023, Vol. 26, No. 4, pp. 281-312.

© The author(s)







شاپا چاپی: ۹۶۳۷-۱۶۸۰
شاپا الکترونیکی: ۲۶۷۶-۵۹۷۷

کتب‌داری و اطلاع‌رسانی


تحلیل تحولات وقف‌های غیرمنقول در دوره قاجاریه، مورد مطالعه: آستان قدس رضوی

مصطفی فرزانه 

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: tahafarzaneh@gmail.com

وحید شالچی 

*نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. رایانامه: shalchi@atu.ac.ir

مجید فولادیان 

دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه: fouladiyan@um.ac.ir

چکیده

هدف: این مقاله می‌کوشد تحولات کنش وقفی را ضمن ارائه توصیف روشنی از سیمای وقف آستان در قاجاریه، شناسایی نقاط اوج موقوفات و مؤلفه‌های تأثیرگذار مورد تحلیل قرار دهد.

روش‌شناسی/رویکرد: این مقاله از تاریخ اجتماعی و برخی رویکردهای نظری، روش تاریخی توصیفی-تحلیلی و مصاحبه بهره گرفته است. **یافته:** میانگین سالانه وقف‌های غیرمنقول در قاجار حدود یک و نیم است. میانگین سالانه در زمان‌هایی که یک نفر متولی و والی بوده ۳/۸۸ درحالی که برای سال‌هایی که فقط متولی بوده ۱/۳۱ بوده است. طی بیست و پنج سال هم‌راستا با ۲۷ درصد کل اقدامات متولیان حدود نیمی از موقوفات، رقم خورده است. ضمن آن که شخصیت شش نفر از متولیان مثبت، دو نفر متوسط و دو نفر هم ضعیف ارزیابی شد. در مقایسه با دو دهه افول وقف که اقدامات متولیان ۱۵ درصد کل اقدامات، شخصیت چهار متولی مثبت و چهار نفر ضعیف ارزیابی گردید. ۸۴ درصد سال‌های دوره ناصری از ثبات برخوردار بوده، بالاترین میزان وقف با میانگین سالانه ۲/۷ درصد مربوط به این دوره است.

نتیجه‌گیری: بر خوردراری از منزلت اجتماعی واقف، مثبت ارزیابی‌شدن، اقدام شاه که منجر به اعتماد مذهبی می‌گردید، ثبات اجتماعی و نظم تشکیلاتی آستان، جایگاه اجتماعی و عملکرد متولیان که برخوردار از بازتاب اجتماعی بوده و توانایی کسب اعتماد را داشته باشد، بر تحولات وقف تأثیر مثبت داشته است. به عبارتی چنانچه والی یا متولی از شخصیت قابل اطمینان، مقتدر و دارای وجهه اجتماعی بالایی برخوردار بوده، ضمن دارا بودن سابقه اجرایی، اثربخشی بیشتری در جذب و حفظ موقوفات داشت. با این حال بی‌ثباتی مانعی دائم برای وقف ایجاد نمی‌کرد، بلکه از پراکندگی آن بیشتر کاسته است.

کلیدواژه‌ها: وقف، قاجاریه، آستان قدس، تاریخ اجتماعی

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

فرزانه، مصطفی؛ شالچی، وحید؛ فولادیان، مجید (۱۴۰۲). تحلیل تحولات وقف‌های غیرمنقول در دوره قاجاریه، مورد مطالعه: آستان قدس رضوی. *کتب‌داری و اطلاع‌رسانی*، ۲۶(۴)، ۲۸۱-۳۱۲.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۱۲ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۸/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتب‌داری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۲، دوره ۲۶، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۴، صص. ۲۸۱-۳۱۲.

© نویسندگان



مقدمه

وقف یعنی «تحبیس‌الاصل و تسبیل (اطلاق)‌المنفعه»، اصل را نگه داشتن و منفعت آن را به قصد قربت الهی آزاد کردن است (حائری، ۱۳۸۰، ص. ۲۶-۲۸). وقف ضمن تأثیرپذیری از انگیزه‌های معنوی، تابعی از میدان اجتماعی است. پولانی اظهار داشت: «کل رفتار بشری به گونه‌ای اجتماعی شکل می‌گیرد و این ترتیبات اجتماعی گوناگون است که نظام‌های عقیدتی مختلف و امکانات ساختاری گوناگون را تولید می‌کند» (اسکاچپل، ۱۳۸۸، ص. ۹۳). در این دیدگاه انگیزه‌ها، اهداف، نوع مصارف و مکانیسم وقف در بستری اجتماعی ایجاد، تقویت و یا تغییر شکل یافته و متعاقباً از آن تأثیر پذیرفته است. بزرگترین نهاد وقف در ایران و یکی از قدیمی‌ترین و مدون‌ترین مجموعه‌های موقوفاتی دنیا، آستان قدس رضوی است که با گستره فعالیت خویش در شکل‌بندی اجتماعی تأثیرگذار بوده است. لمبتون اظهار می‌دارد «عده معتناهایی از زمین‌های مملکت موقوفه است و مهم‌ترین دسته از املاک موقوفه چه از نظر وسعت و چه از نظر عواید اوقاف به آستانه قدس رضوی تعلق دارد» (لمبتون، ۱۳۳۹، ص. ۴۱۹). بر مبنای تحقیقی بیش از نیمی از اراضی شهر مشهد وقف است که بخش اعظم آن مربوط به موقوفات آستان قدس رضوی است (دهقان، ۱۳۸۴). ضمناً باید به یاد داشت که «زمین‌داری، مهم‌ترین سرمایه کسب قدرت سیاسی و حیثیت اجتماعی در ایران به شمار می‌رفته است» (لمبتون، ۱۳۳۹).

این نهاد تحولاتی را در زمینه‌های رقبات وقفی و مصارف آن‌ها، نوع واقفان به لحاظ پایگاه اجتماعی، سیاسی و جنسیتی به خود دیده است. غالب پژوهش‌های این زمینه، هر چند بعضاً از تکنیک‌های آماری و تحلیل محتوا نیز بهره برده‌اند، مبتنی بر رویکرد توصیفی هستند. آنچه در این میان مورد غفلت قرار می‌گیرد مطالعه نظام‌مند پیچیدگی ساختارها، فرایندها و برایندهاست که تحلیل آن به لحاظ فهم چگونگی تکوین میراث نهادی و تداوم ساختارهای اجتماعی و یا تغییر آن‌ها شایان توجه است. بنابراین، پرسش اصلی عبارتست از: وقف‌های غیرمنقول آستان قدس در دوره قاجاریه چه ویژگی‌هایی را دارا بوده است؟ در همین راستا پرسش‌های دیگری مطرح می‌شود: واقفان با چه پایگاه اجتماعی و جنسیت، با چه مکانیزم‌هایی (عام/خاص، تفویض تولیت یا ناظر به آستان/دیگری) اقدام به وقف نموده‌اند؟ چه چیزی و برای چه مصرفی وقف شده و پراکندگی جغرافیایی موقوفات چگونه است؟ انتخاب نایب‌التولیه‌ها و اقداماتشان و وضعیت تشکیلات آستان در دوره قاجاریه چگونه بوده است؟ آیا شاهان به عنوان تولیت رقباتی را وقف کرده‌اند؟ ارتباط بین نیروهای اجتماعی: حکومت - روحانیت - متولی‌باشی از یکسو و ثبات از سوی دیگر چگونه بر تحولات وقفی مؤثر بوده است؟

پیشینه تحقیق

بر اساس تمایز رویکردی، بیشترین فراوانی پژوهش‌های سه دهه اخیر ایران متعلق است به پژوهش‌هایی با موضوع تاریخ وقف، تحلیل وقف‌نامه‌ها و مصارف وقف؛ سپس پژوهش‌هایی که تأثیر موقوفات را بر توسعه و شکل‌گیری

۱. مانند شیبانی (۱۳۷۷)، خوانساری (۱۳۹۷)، شاه‌حسینی (۱۳۹۰)، گل‌پور (۱۳۹۱)، اکبریان (۱۳۹۷)، نیک‌مهر (۱۳۹۱)، حسن‌آبادی (۱۳۹۱)، منتظری (۱۳۹۴)، مولایی (۱۳۹۶)

فضاهای شهری و خدمات عمومی مورد تأکید قرار می‌دهند. با رویکرد جامعه‌شناختی نیز دو پژوهش: نیازی و جعفرپور (۱۳۹۵) و اکبری (۱۳۹۹) انجام شده است. پژوهش امیدوار (۱۳۹۵) ضمن استفاده از رویکرد روان‌شناختی اجتماعی عوامل مؤثر بر تمایل رفتاری شهروندان به وقف را مورد سنجش قرار داده است.

اکبری (۱۳۹۹) در رساله دکتری خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی - تاریخی دوره‌های تیموری، صفوی و پهلوی)» با ارائه جدول ارزشی مبتنی بر روش توافق و اختلاف میل، تحلیلی ارائه کرده که با شواهد نقض‌کننده تاریخی که بیانگر گسست‌ها یا تنوع‌هاست، همسو نیست. این روند یک‌دست‌سازی، در توضیح دوره‌های تاریخی نیز دیده می‌شود. همچنین با وجود فرض پژوهشگر مبنی بر «تلفیق عوامل سطوح خرد، میانی و کلان مؤثر بر وقف» اما مدل وی اولویت و تقدم محیط نهادی را محفوظ داشته و تأثیر متقابل سطح خرد یعنی انگیزه و نیت واقفان بر محیط نهادی را بررسی نمی‌کند.

در پایان‌نامه ارشد منتظری (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی تحلیل محتوای وقف‌نامه‌های دوره قاجار موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی» در بیان مسئله معلوم نمی‌شود پژوهشگر به دنبال «سندشناسی» است یا آن که با تحلیل پیرامون عوامل «اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و رجالی» در پی شناخت و کشف «نحوه زندگی مردم، نحوه تعاملات، روحیه مشارکت و ایثار و تفکرات در یک دوره تاریخی» است. این عوامل و پیامدها، پیچیدگی‌هایی دارد که با هدف اذعان شده یعنی «بازخوانی اسناد از دو جنبه سندشناسی و سندپژوهی» همخوان و نیز با روش به کار برده شده یعنی «تاریخی - توصیفی» میسر نیست.

ناصری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «کارکردهای سیاسی - اجتماعی تولیت آستان قدس رضوی در دوره قاجار» بر آن است از منظری جامعه‌شناختی به پرسش ذیل بپردازد که چه عواملی بر منصب تولیت و کارکردهای متولیان در عصر قاجار تأثیرگذار بوده است؟ وی بر آن است موقعیت نایب‌التولیه‌های این دوره به لحاظ تأثیرپذیری از موقعیت سیاسی و مشاغل حکومتی پیشین در مقایسه با دوره‌های قبل تغییر می‌کند و مواردی مانند شیوه‌های انتصاب متولیان، ارتباط با والیان خراسان بر افزایش حوزه اقتدار آنان تأثیرگذار بوده است. ضمن آن که پژوهش او در رشته تاریخ صورت گرفته، مدعی ارزیابی روابط دین و دولت در عصر قاجار از منظر مناصب دینی است که پژوهش مستقلی را می‌طلبد.

سوزنچی و جهانگیری (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان «موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه» نتیجه می‌گیرند که متولیان واقف غالباً در مدت زمانی که عهده‌دار مسئولیت تولیت بودند مصدر خدمات بسیاری شده‌اند و موقوفات‌شان به جز یک مورد در زمان تصدی مسئولیتشان بوده است. ضمناً زمانی

۱. از قبیل رضوانی (۱۳۹۳)، پوراحمد و دیگران (۱۳۹۲)، کلاتری و دیگران (۱۳۸۹)، شهابی (۱۳۸۳)، فاریابی (۱۳۹۴)، شاه‌حسینی (۱۳۸۹)، عشایرسلطانی (۱۳۸۰)، شهیدی (۱۳۹۴)، ترکابیدختی (۱۳۹۳)

که شیوه انتخاب متولیان بر اساس پیشکشی به شاهان وقت قرار گرفت، کمتر متولی را می‌بینیم که موقوفاتی برای آستان قدس رضوی در نظر بگیرد.

نظرکرده (۱۳۹۱) مقاله‌ای با عنوان «پایگاه اجتماعی واقفان املاک آستان قدس رضوی» دارد. وی ضمن بررسی دوره‌های صفوی، افشاریه و قاجاریه، اظهار می‌دارد در قاجار به علت تقلید عمومی از سنت‌های صفویه و گریز مردم از غضب اموالشان انگیزه وقف در مردم قوت گرفت. حتی زنان نیز شرکت فعال داشتند. در این مقاله ضمن آن که دو واژه طبقه و پایگاه اجتماعی اشتباه به جای یکدیگر به کار رفته‌اند، به نظر می‌رسد دسته‌بندی آن‌ها دقیق نباشد. مثلاً سمت‌هایی مانند منشی‌باشی یا کارگزاران آستان را به عنوان طبقه در نظر گرفته است. نقدی (۱۳۹۹) نیز کتابی با عنوان «تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار» تألیف نموده است. این کتاب جامع و فراگیر از تاریخ و تشکیلات آستان قدس در عصر قاجار، به تعداد موقوفات آستان قدس رضوی در هر دوره از پادشاهان قاجار نیز پرداخته است.

هرچند رویکرد تاریخ‌نگاری که در پی ارائه «شرحی منضبط، منسجم و درک‌شدنی درباره وقایع تاریخی است» (رضوی و رهنما، ۱۳۹۶، ص. ۶۱)، مفید است و داده‌ها و تحلیل‌های این پژوهش‌ها مورد استفاده قرار خواهند گرفت اما بسیاری از این پژوهش‌ها متکی بر دیدگاه‌های دولت‌محوری بوده‌اند. این پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند: «سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های حکومت نسبت به وقف، تأثیر بیشتری بر عملکرد متولیان موقوفات و سازمان‌های متولی وقف در سطح میانی و انگیزه‌ها و نیت واقفان در سطح خرد دارد» (اکبری، ۱۳۹۹). در حالی که پژوهش‌های عرصه وقف با رویکرد تاریخ اجتماعی همچنان در ابتدای راه قرار دارند.

رویکردهای نظری

به زعم بلوخ در تحلیل‌های تاریخی «وظیفه نظریه‌ها کمک به مورخ برای جستجوی شواهد و مدارک بهتر در باب گذشته است» (اسکاچپل، ۱۳۸۸، ص. ۲۹) این مقاله با اتخاذ رویکرد تاریخ اجتماعی حتی‌المقدور می‌کوشد از مفاهیم برخی دیدگاه‌ها بهره‌گیری کند. مفاهیمی مانند: رویکرد نخبه‌گرایانه (آدلف، ۲۰۱۴)؛ رویکرد شناختی (وایپکینگ، ۲۰۰۸)؛ منافع مادی، احساسی، منزلتی و نیز رویکرد پیوندهای زوجی (برمن، ۲۰۰۷)؛ رویکرد دیگرخواهی (فرگوسن، ۲۰۰۸) و شبکه‌های اجتماعی^۳ و اعتماد (کلمن، ۱۹۸۸ و لین، ۲۰۰۱).

1. Dyadic- ties

2. Altruism Model or Approach

۳. منظور از شبکه‌های اجتماعی روابط درهم تنیده اجتماعی در بسترهای به خصوصی است که تا حدود زیادی هنجارها و ارزش‌های خود را تحمیل می‌کنند. در این شبکه‌ها اطلاعات به اشتراک گذاشته می‌شود، باورها، آگاهی‌ها، تمهیدات و اعتماد شکل می‌گیرد.

دیدگاه نخبه‌گرایی بر آن است، آن‌هایی که مؤسسات خیریه را ایجاد می‌کنند ضمن تأکید بر خیر عمومی به دنبال اعمال نفوذ مؤثر بر جامعه و کنترل سرمایه‌اند. همچنین سبب مثبت ارزیابی شدن اهداکنندگان و مصون ماندنشان از انتقاد می‌شود (آدلف، ۲۰۱۴، ص. ۱۷-۱۸). رویکرد شناختی مبتنی است بر اطلاع داشتن از وجود مؤسسات و اهدافشان. به عبارتی هرچه اهداف و نیازها قابل رؤیت‌تر باشد منجر به بالا رفتن تعداد اهداکنندگان و میزان اهدا می‌شود. آگاهی همچنین می‌تواند متوجه مشارکت دیگران و همچنین تأثیرات اجتماعی اهدا باشد (وایپکینگ، ۲۰۰۸، ص. ۱۱۶). بر مبنای رویکرد پیوندهای زوجی اهداکنندگان، دریافت‌کنندگان هدایاشان را به صورتی آزادانه انتخاب نمی‌کنند. بلکه انتخاب‌های خیرخواهانه‌شان به واسطه استراتژی‌های مؤسسات خیریه ساخت‌یابی می‌شود (برمن، ۲۰۰۷، ص. ۱۴۴۸). همچنین می‌توان از نظریه انتخاب عقلانی نیز نام برد که بر مبنای آن کمک‌های خیرخواهانه بنا بر مقاصد و منافع مادی، احساسی و یا منزلتی و نهایتاً محاسبه عقلانی افراد صورت می‌گیرد (برمن، ۲۰۰۷، ص. ۱۴۲۰-۱۴۲۱).

رویکرد دیگرخواهی می‌تواند شامل دو مدل: نوع دوستی خودخواهانه^۱ و دیگرخواهی بی‌غل‌وغش^۲ باشد. تأکید رویکرد نخست بر کسب رضایت است. مفاهیم رضایت اخلاقی، احترام اجتماعی و قدردانی مهمترین عوامل آن به شمار می‌روند (توماسی و دیگران، ۲۰۲۲، ص. ۳۶۷). بر مبنای رویکرد دوم افراد بدون انتظار کسب منفعت به دیگران کمک می‌کنند. بدین ترتیب بخشش، پاسخی است به دلواپسی نسبت به رفاه دیگران (تی، لوین و چیا، ۲۰۱۴). بر مبنای رویکرد شبکه‌های اجتماعی و اعتماد، از افراد با شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر انتظار بیشتری می‌رود که راحت‌تر اطلاعات در مورد سازمان‌های خیریه را به دست آورند و بدین ترتیب مورد درخواست برای اهدا قرار گیرند. قابلیت اعتماد به این سازمان‌ها نیز بستگی به این اطلاعات و شبکه‌ها دارد. به نظر چانگ و چان (۲۰۰۰) افراد نیاز دارند به سازمان‌های خیریه اعتماد کنند که آیا اموالشان را به درستی مصرف می‌کند؟ از مهمترین این شبکه‌ها، شبکه‌های دینی است. این شبکه‌ها علاوه بر هنجارهای مثبت قوی برای امور خیرخواهانه و بخشش‌ها، شبکه‌های اجتماعی فرد را نیز گسترش می‌دهند (وایپکینگ، ۲۰۰۸، ص. ۷۱).

روش‌شناسی و نحوه گردآوری داده‌ها

این مقاله مبتنی بر دو روش توصیفی-تحلیلی و مصاحبه است. روش نخست تأکید بر رویکرد مطالعه موردی دارد. در مطالعه موردی که هدف درک پیچیدگی‌های یک مورد است، پژوهشگر سیستمی را با حدود و مرزهای مشخص به صورتی عمیق و تفصیلی مورد بررسی و اکتشاف قرار می‌دهد و تلاش می‌کند با استفاده از داده‌ها،

تفسیری جدید ارائه دهد (کراسول، ۱۳۹۱، ص. ۸۰-۸۳). بنابراین، قصد آن «نه تدوین قوانین انتزاعی و نه تعمیم کلی میان نمونه‌ها، بلکه ممکن ساختن توصیف پرمایه است» (اسکاچیل، ۱۳۸۸، ص. ۳۱۵). بدینسان با در نظر داشتن اهمیت زمان‌مندی و زمینه‌مندی در تحلیل وقف (طالبان، ۱۳۹۱) و از آنجا که پژوهش‌های تاریخ اجتماعی به نوعی تفسیری تاریخ‌نگرا محسوب می‌شوند (اسکاچیل، ۱۳۸۸، ص. ۵۱۱-۴۹۹)، شناخت پیچیدگی بر تبیین‌های تعمیم‌پذیر رجحان می‌یابد و درک و فهم این که چه چیزی و چگونه رخ داده اولویت دارد. در این راستا با در نظر داشتن منطق قیاس استقرایی، ضمن برداشتی آزاد از تکنیک تغییرات متقارن میل و پیکربندی ریگین، جداول مقایسه‌ای ارائه گردید.

در روش دوم به دلیل ابهام‌های جدی در توضیح داده‌ها از مصاحبه با متخصصان این حوزه که در جدول ذیل اشاره شده است، استفاده گردید.^۱

جدول ۱. اطلاعات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام فرد	تحصیلات	سمت	تاریخ مصاحبه
۱	ابوالفضل حسن‌آبادی	دکتری تاریخ محلی	مدیر مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی	۱۴۰۲/۳/۱۷-۱۵
۲	حمیده شهیدی	دکتری تاریخ	کارشناس پژوهش مخطوطات آستان قدس رضوی	۱۴۰۲/۳/۲۲-۲۰
۳	محمود احمدی زرمهری	کارشناس ارشد جغرافیای شهری	رئیس اداره توسعه و ترویج وقف و نذر بنیاد بهره‌وری موقوفات آستان قدس رضوی	۱۴۰۲/۳/ ۲۵-۲۶
۴	اعظم نظرکرده	کارشناس ارشد تاریخ	مسئول امور نمایه‌سازی و مستندسازی اسناد آستان قدس رضوی	۱۴۰۲/۴/۳-۱
۵	غلامرضا آذری‌خاکستر	کارشناس ارشد تاریخ	کارشناس مطالعات اسناد موقوفات آستان قدس رضوی	۱۴۰۲/۴/۷

برای گردآوری داده‌ها از اسناد و منابع کتابخانه‌ای استفاده گردید. در جمع‌آوری اطلاعات به دلایلی وقف‌های منقول کنار گذاشته شد. این دلایل عبارتند از: ۱- تنوع آن‌ها ۲- موجود نبودن اطلاعات دقیق ۳- مشخص نبودن برخی ارکان وقف مانند: متولی، نحوه مصرف و موقوف‌علیهم. در نتیجه موقوفات غیرمنقول که عین رقبه مانند: زمین، ملک پایدار است، معمولاً متولی یا ناظری برای آن تعیین گردیده و مصارف خاص یا عام آن در نظر گرفته شد. نخست، خروجی اطلاعات تفکیک‌شده وقف‌نامه‌ها در اکسل، با استفاده از نرم‌افزار SQL به دست آمد. مواردی که اطلاعات آن موجود نبود تحت عنوان نامعین دسته‌بندی گردید. پایگاه اجتماعی واقفین بر اساس شغل، منزلت اجتماعی و خانواده تعریف گردیده است. در مورد زنان موقعیت و منزلت خانوادگی آنان یا اشتغال همسر در نظر گرفته شد.

جدول ۲. دسته‌بندی پایگاه‌های اجتماعی

متوسط پایین	متوسط متوسط	متوسط بالا	بالای پایین	بالای متوسط	بالای بالا	پایگاه اجتماعی
مغازه‌داران خرده‌پا، متصدیان و کارکنان جزء، اهالی و سکنه منطقه	دیوانی‌ها، نظامی‌ها، کارمندان مسئول بخش، روحانیون، باغداران و کشاورزان زمین‌دار	تاجر، ثروتمندان شهری، خان، صاحبان منصب، رؤسای اصناف، رؤسای ایل، نظامی صاحب‌منصب، روحانی صاحب‌منصب	وزرا، حکام، متولی آستان، نظامی حاکم	همسرشاه، شاهزاده، شاهزاده حاکم، صدر اعظم	شاه	افراد تشکیل‌دهنده پایگاه

مواردی که صحت داده‌ها محل تردید بود و یا نیاز به تجدیدنظر داشت با نمایه وقف‌نامه‌ها و واقفان موجود در مدیریت اسناد آستان‌قدس انطباق داده شد. مضاف بر آن که اعتبار داده‌ها توسط کارشناسان و پژوهشگران مدیریت نظارت و بهره‌وری اوقاف، مدیریت اسناد و مطبوعات و نیز بنیاد پژوهش‌های آستان‌قدس که در این حوزه فعالیت داشته‌اند تأیید گردید.^۱

یافته‌ها، تحولات وقف در عصر قاجاریه

متأسفانه سندی مبنی بر وقف‌های غیرمنقول از دوران پیش از صفوی باقی نمانده است (نقدی، ۱۳۹۱، ص. ۷۲). قدیمی‌ترین سند موقوفه نیز مربوط به سال ۹۳۱ق. و متعلق به عتیق علی بن احمد ملک طوسی است. عصر صفوی با رشد فزاینده موقوفات همراه بود. با افول آن دوره‌ای از غارت‌ها شکل گرفت. با این حال با وجود چپاول‌ها همواره بر موقوفات آن افزوده شده است. در عصر قاجاریه، با روی کار آمدن موسی‌خان مجدد برای حراست و گسترش موقوفات آستان تلاش شد. مجموع این‌گونه تلاش‌ها و شرایط منجر شد در عصر قاجار موقوفات آستان رشد فزاینده‌ای داشته باشد (نقدی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶۲-۴۶۱). به نحوی که واقفان دارای پایگاه اجتماعی بالا افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته و بسیاری از رجال حکومتی، درباریان و خود متولیان نیز موقوفاتی داشتند (امیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۹۵-۹۶). پایه بیشتر درآمدهای آستان نیز بر مبنای همین موقوفه‌هاست (حسن‌آبادی، ۱۳۹۶، ص. ۱۶).

اساساً موقوفات به دو نوع کلی منقول و غیرمنقول قابل تقسیم است و بر اساس وقف‌نامه‌ها واگذاری تولید به سه نوع کلی است: یا واقف تولید را خودش برعهده گرفته، یا به کسی دیگر سپرده و یا به متولی وقت آستان واگذار کرده است (نقدی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶۲). تا سال ۱۳۹۱ کلیه وقف‌نامه‌های آستان در چهار مجلد بازنویسی

۱. تعداد وقف‌نامه‌ها قطعیت ندارد، اما از درجه بالایی از اطمینان برخوردار است.

شده است. مصارف عواید موقوفات آستان نیز در قالب ۲۶ سرفصل، هر چند بیش از هفتاد مورد است، طبقه‌بندی گردیده است (باشتینی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۲).

در این بخش به توزیع جنسیتی و فراوانی پایگاه‌های اجتماعی واقفان، نوع رقبات وقفی و پراکندگی جغرافیایی‌شان، نوع مصارف و نحوه واگذاری تولیت یا ناظر با تفکیک هر دوره پادشاهی پرداخته می‌شود. دسته‌بندی اقدامات متولیان در هشت موضوع، تفکیک سال‌هایی که متولی و والی یکی بوده یا از هم جدا بودند، و سال‌های ثبات یا ثبات نسبی در ارتباط با میزان وقف ارائه خواهد شد. همچنین، نموداری از سیر سالانه وقف ترسیم گردید. ضمناً اشاره‌ای به رویکرد و نوع اقدامات شاه یا نزدیکان وی در ارتباط با وقف، وضعیت عمومی تشکیلات آستان، رابطه روحانیت با شاه و آستان و نوع رابطه والیان و متولیان گردید.

افرادی با چه جنسیت و یا پایگاه اجتماعی اقدام به وقف نموده‌اند؟ چه توضیحی می‌توان ارائه نمود؟

جنسیت و پایگاه اجتماعی واقفان

جدول ۳. درصد و فراوانی توزیع جنسیتی واقفان

جنسیت	مرد	زن	نامعین	جمع موارد
تعداد و درصد	۱۷۰ ۸۴/۵۸	۳۱ ۱۵/۴۲	-	۲۰۱ ٪۱۰۰

در جامعه سنتی قاجار غالباً مالکیت اموال غیرمنقول برعهده مردان بود؛ بنابراین، غالب واقفان مرد هستند. با این حال با زنان واقف از طبقه بالا که معمولاً میراث‌بر بوده‌اند نیز مواجه‌ایم. البته زنان واقف از طبقات متوسط و پایین نیز بوده‌اند، اما «وقفنامه‌های موقوفه‌های کوچکتر و به لحاظ اقتصادی کم‌اهمیت‌تر آنان، احتمال قریب به یقین بیشتر در معرض خطر و نابودی قرار داشته است» (نظر کرده، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۹).

جدول ۴. درصد و فراوانی پایگاه‌های اجتماعی واقفان^۱

پایگاه اجتماعی	بالای بالا	بالای متوسط	بالای پایین	متوسط بالا	متوسط متوسط	متوسط پایین
تعداد و درصد	-	۱۲ ۶/۲۵	۳۰ ۱۵/۶۳	۸۷ ۴۵/۳۱	۵۹ ۳۰/۷۳	۳ ۱/۵۶

برخلاف امیرزاده (۱۳۹۶) داده‌های ما همسو با این نظر است که پادشاهان قاجار «کمتر از همتایان صفوی‌شان وقف را تشویق کرده و به ندرت چیزی را وقف می‌کردند» (ریاحی، ۱۳۸۷، ص. ۴۰۵). بر اساس یافته ما پایگاه اجتماعی واقفان متوسط بالا به غیر از ابتدا و انتهای قاجاریه، بیشترین فراوانی را داراست. همچنین از

۱. توزیع جنسیتی و پایگاه‌های اجتماعی افرادی که در چندین نوبت اقدام به وقف کرده‌اند تنها یک بار لحاظ گردیده است.

۲. ما شاهد افزایش افراد واقف در پایگاه‌های شاهان و شاهزادگان، کارگزاران آستان، اعیان و اشراف، علما و معتمدان و نیز اصناف در دوره قاجاریه هستیم (امیرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲-۱۱۳).

میان حدود ۲۰۱ واقف این عصر، سیزده نفر روحانی یا منصوب به خانواده روحانی واقف هستند که دو نفرشان صاحب‌منصب‌اند. بر اساس داده‌ها، پایگاه اجتماعی واقفان در دوره نابسامان انتهای قاجاریه همانند ابتدای آن، متوسط‌متوسط است. با این تفاوت که در ابتدای این دوره واقفان تولیت را به دیگری اما در آخر آن به آستان واگذار کرده‌اند.

پراکندگی جغرافیایی وقف در دوره قاجار چگونه بوده و چه توضیحی می‌توان ارائه نمود؟

پراکندگی جغرافیایی موقوفات

جدول ۴. درصد و فراوانی توزیع استانی موقوفات

استان	خراسان	کرمان	گیلان، مازندران	تهران، فارس،	خارج از کشور	آذربایجان غربی، قزوین	سمنان، کردستان، مرکزی	یزد	نامعین	جمع موارد
تعداد و درصد	۱۴۶	۹	۸	۶	۵	۴	۲	۱	۶	۲۰۹
	۶۹/۵۲	۴/۲۹	۳/۸۱	۲/۸۶	۲/۳۸	۱/۹۰	۰/۹۵	۰/۴۸	۲/۸۶	٪۱۰۰

طی سال‌های ۱۱۸۹-۱۱۹۳ ش. مازندران با چهار مورد وقفی که به لحاظ نوع رقبه، مصرف و نحوه انتخاب تولیت شبیه‌اند، پیش‌تاز است. شاید بتوان در توجیه این امر از عامل رویکرد شناختی، شبکه‌های اجتماعی و اطلاع از مشارکت دیگران بهره گرفت. بکرز (۲۰۰۴) اظهار می‌کند افراد هنگامی که معتقد می‌شوند دیگران زیاد اهدا می‌کنند، آن‌ها نیز هدایایشان را افزایش می‌دهند (وایپکینگ، ۲۰۰۸، ص. ۱۱۶-۱۲۴). از سویی دیگر، نزدیکی جغرافیایی و قرابت فرهنگی استان‌های مازندران و کرمان با خراسان همراه با آگاهی از وقف افراد را به وقف ترغیب کرده است.

موقوفات غیرمنقول این عصر از چه جنس بوده و برای چه منظوری (مصارفی) وقف شده‌اند؟ چه توضیحاتی

در این رابطه می‌توان ارائه نمود؟

نوع رقبات و مصارف موقوفات

جدول ۶. درصد و فراوانی نوع رقبات وقفی

نوع رقبه	مزرعه	آب و آبراه	قنات، سهم	مغازه	ملک	زمین	بنا	آسپان	روستا	منزل	کاروانسرا	حمام	بخچال	دالستان	نامعین
تعداد و درصد	۱۰۸	۴۹	۴۹	۳۵	۱۸	۱۶	۱۵	۱۴	۱۱	۱۰	۹	۶	۲	۱	۱
	۳۶/۶۱	۱۶/۶۱	۱۶/۶۱	۱۱/۸۶	۶/۱	۵/۴۲	۵/۰۸	۴/۷۵	۳/۷۳	۳/۳۹	۳/۰۵	۲/۰۳	۰/۶۸	۰/۳۴	۰/۳۴

۱. علاوه بر مواردی که در وقفنامه با عنوان ملک ذکر شده، رقبات ذیل را نیز شامل می‌شود: گاراژ، محوطه، مال، منزل و مغازه، انبار، طویل، اسطبل، مسافرخانه، حجره، قلعه.

در جامعه مبتنی بر زمین‌داری قاجار، مزرعه بیشترین فراوانی را دارا بود. مصاحبه‌شوندگان می‌گویند؛ شهیدی: «با توجه به وضعیت اقلیمی خراسان، مزرعه وسعت بیشتری دارد». نظر کرده: «صاحب‌منصبان نیز مزرعه‌دار بودند. بنابراین میزان وقف آن‌ها بیش از سایر موارد است».

جدول ۷. درصد و فراوانی نوع مصارف وقف

نوع مصارف	خدام ^۱	روشنایی	مراسم مذهبی	زوار ^۲	مقابر	بیوتات ^۳	نایب‌الخدمه و نایب‌الزیاره واقف	سادات ^۴	اطعام و مهمانسرا	فقرا
تعداد و درصد	۷۴ ۱۷/۶۶	۶۳ ۱۵/۰۴	۵۱ ۱۲/۱۸	۳۴ ۸/۱۲	۲۸ ۶/۶۹	۲۴ ۵/۷۹	۲۰ ۴/۷۸	۱۴ ۳/۳۵	۱۲ ۲/۸۶	۱۲ ۲/۸۷
نوع مصارف	قاری	درمانی	آموزش	کتابخانه	اولاد واقف	اموات	ایتام ^۵	قند و قهوه	عام و خاص	نامعین
تعداد و درصد	۱۰ ۲/۳۹	۸ ۱/۹۱	۷ ۱/۶۸	۳ ۰/۷۲	۳ ۰/۷۲	۳ ۰/۷۲	۲ ۰/۴۸	۲ ۰/۴۸	۴۲ ۱۰/۰۲	۶ ۱/۴۳

با استناد به کتابچه انوار رضویه (۱۳۹۳)، روشنایی حرم بیشترین موقوفات را داراست. البته این ادعا اموال منقول را نیز در بر دارد. در حالی که در بررسی ما که شامل مصارف موقوفات غیرمنقول است، روشنایی در مرتبه دوم قرار گرفت. خرید کارخانه برق توسط شاه در ۱۲۷۹ش. و موتور برق در ۱۲۸۱ش. سبب شد این وقفیات در آخر قاجار به کمترین مقدار برسد. در پی ازدیاد خدام از دوره ناصری مصرف خدام پیشی می‌گیرد. هم‌مسو با رویکرد پیوندهای زوجی (برمن، ۲۰۰۷) می‌توان مدعی بود متولیان آستان به طور غیرمستقیم با ازدیاد خدام و موجب‌بگیران و نیز توسعه تشکیلاتی آن، غیرعامدانه استراتژی موقوفات این زمینه را ترویج داده‌اند. ادعایی مطرح است که بنابر آن خدام را از اقشار کم‌درآمد جامعه می‌داند (نجف‌زاده و جهانگیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۴). بدین ترتیب مصارف برای آنان میزان بالایی داشت. باید در نظر داشت در سال ۱۲۸۴ق. اسامی تعداد زیادی از بزرگان و رجال دولت در کشیک‌های پنج‌گانه که متولی به شاه معرفی می‌کند به چشم می‌خورد. بنابراین، نمی‌توان نتیجه گرفت خدام فقیر بودند و از این رو مصارف وقف را برای آن‌ها در نظر می‌گرفتند.

۱. ذیل این عنوان علاوه بر مصارف عمومی، موارد حقوق، اطعام، انعام، قراء و فقرای خدام نیز شامل شده‌اند.

۲. زوار؛ اعم از زائران فقیر، پیاده، بیمار و شفایافتگان را در بر دارد.

۳. بیوتات شامل مصارف عمومی و نیز موارد فرش، سوخت و نظیف هم می‌شود.

۴. سادات غیر از موارد عمومی، طیفی از ایتام و ایتام محصل، فقرا، خدام و عذب سادات را در بر گرفته است.

۵. این که تنها دو مورد برای ایتام ذکر شده مربوط به عام ایتام است بدون آن که واقف، گروه خاصی را مدنظر داشته باشد. البته در برخی وقف‌نامه‌ها با ایتام محصل سادات و ایتام سادات نیز مواجه‌ایم که ذیل سادات طبقه‌بندی شده و تعداد آن برابر ۱۱ مورد است. به عبارتی ۲/۶۳ درصد را از مجموع مصارف مربوط به آن‌هاست.

۶. به جدول ۱۰ رجوع شود.

در این عصر با وجود نیاز مشهود به بهبود وضعیت درمانی-بهداشتی موقوفات این زمینه درصد قابل توجهی ندارد. گزارش‌های سال‌های ۱۲۵۰-۱۲۶۰ش. مانند مارش (۱۲۵۱ش.)، ادوندان (۱۲۵۸ش.) (آستان قدس، دیروز و امروز، ۲۵۳۶، ص. ۴۵-۴۶) و حاج سیاح (۱۲۵۶ش.) وضعیت بهداشتی را نامناسب دانسته‌اند. سیاح در سال ۱۲۶۰ش. می‌نویسد دارالشفاء هیچ کارایی ندارد (حاج سیاح، ۱۳۴۶، ص. ۱۳۴-۱۳۲)، هرچند پس از آن در زمان عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله شیرازی، مسئول دارالشفاء به دلیل عدم کفایت برکنار شد، ضمن آن که ساختمان جدیدی برای جذامیان ساخته گردید. اما باز هم اوضاع بهبود چندانی نیافت. بیت در گزارش ۱۲۷۲ش. خود همچنان به فعالیت اندک آن اذعان دارد. یکی از سه مورد وقف دارالشفاء در دوره ناصری هم مربوط به دفن فوت‌شدگان بی‌بضاعت دارالشفاء است.

در این زمان سادات زیادی از فراشی و خادمی گرفته تا صاحب‌منصبی در آستان مشغول بوده‌اند. مانند سرکشیک‌ها، زیارت‌نامه‌خوانان، خادم‌باشی‌ها، کفشداران، دربانان ضریح و مدرسان معمولاً از سادات موسوی و رضوی بودند (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۱۲۹-۱۲۶). آنان القابی را نیز (مانند رکن‌الدوله، قوام‌التولیه، اعتضادالتولیه) از شاه دریافت می‌کردند (بیت، ۱۳۶۵، ص. ۳۰۱). این قضیه می‌توانست در جذب میزانی از مصارف وقف مؤثر باشد.

موقوفات زواری موضوع حائز اهمیت دیگری است. مصارف عمده این نوع موقوفه‌ها عبارتند از: ایجاد تسهیلات و رفع نیازهای مالی و اولیه زائران اعم از تغذیه، پوشاک و هزینه‌های مربوط به اقامت یا برگشت (نظرکرده، ۱۳۹۶، ص. ۷۱). یافته ما نشان می‌دهد نیازهای زوار تنها ۸ درصد کل مصارف را به خود اختصاص داده است. شاید دقیق‌تر آن باشد که بیشترین درخواست کمک مالی به زائران طی سال‌های ۱۲۳۱ الی ۱۲۷۴ش. است. اوج آن نیز به ترتیب متعلق به سال‌های ۱۲۶۰ و ۱۲۶۱ش.، در زمان تولیت میرزا محمدتقی رکن‌الدوله است (ژیان‌پور و ژیان‌پور، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۷). باید افزود حدود ۲،۸۶ درصد مصارف موقوفات مربوط به اطعام و مهمانسرای حضرت است. «از این مقدار هم خوانچه‌های غذا به وسیله دربانان با تشریفات خاصی برای معارف زوار و علماء، اشراف و راجه‌های هندوستان و نیز زائران برجسته ایران و ممالک اسلامی فرستاده می‌شد» (کاویانیان، ۱۳۵۴، ص. ۲۵۸).

توضیح مصارف بر مبنای مفهوم دیگرخواهی بی‌غل‌وغش نمی‌تواند خیلی مفید باشد زیرا بر مبنای این رویکرد مجموع مصارف درمانی، کتابخانه و آموزشی (به لحاظ حس اخلاقی نسبت به جامعه و میل به ارتقای رفاه و فرهنگ)، عمران، خیرات، فقرا، ایتام، زوار و سادات، حدود ۱۹ درصد یعنی کمتر از یک چهارم مصارف است. بر مبنای داده‌های مصارف و شواهد تاریخی، به نظر می‌رسد وقف بیشتر بنا بر مقاصد و منافع مادی، احساسی و یا منزلتی و نهایتاً محاسبه عقلانی (برمن، ۲۰۰۷، ص. ۱۴۲۰-۱۴۲۱) صورت می‌گیرد. هرچند

احساس نیازی که واقفان از کمبودهای جامعه خویش بر اساس مشاهدات و تجاربشان داشتند در نوع مصرف نیز دخیل بوده است. مضاف بر آن آذری در مصاحبه می‌گوید: «وقفنامه‌نویسان به نوعی مشاوران وقف در نوع مصرف هم بوده‌اند».

در این عصر نسبت واگذاری تولیت و ناظر به آستان قدس یا شخص دیگر چگونه بوده است؟ نسبت وقف‌های خاص/عام چگونه بوده است؟ آیا می‌توان در این موارد توضیحی ارائه نمود؟

واگذاری تولیت و ناظر، عام / خاص بودن وقف

جدول ۸. درصد و فراوانی نحوه واگذاری تولیت و ناظر

ندارد	نامعین	آستان و دیگری	دیگری	آستان	واگذاری تولیت/ناظر
-	۳۹ ۱۸/۵۷	۴۲ ۲۰/۰۰	۵۵ ۲۶/۱۹	۷۴ ۳۵/۲۴	تولیت
۱۳۲ ۶۲/۸۶	-	۱۸ ۸/۵۷	۳۲ ۱۵/۲۴	۲۸ ۱۳/۳۳	ناظر

جدول ۹. درصد و فراوانی نوع وقف

جمع موارد	نامعین	عام	خاص	نوع وقف
۲۲۳	۶	۵۲	۱۶۵	فراوانی و درصد
٪۱۰۰	۲/۶۹	۲۳/۳۲	۷۳/۹۹	

تا پیش از عصر ناصری واقفان عمدتاً تولیت را به اشخاص دیگری واگذار می‌کردند. از این زمان به بعد غالب واقفان تولیت را به آستان واگذار کرده‌اند.^۱ آن‌ها معمولاً متولی‌باشی را خطاب می‌دانستند نه شاه، مگر اندک افراد سلطنتی و درباری. در دوره قاجاریه با وجود فراز و فرودها و ناامنی‌ها، واقفان ناظری برای موقوفه تعیین نمی‌کرده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد تعیین ناظر با نگرانی مردم از غصب اموالشان یا بی‌ثباتی همبستگی زیادی نداشته باشد. نظر مصاحبه‌شوندگان بدین قرار است:

احمدی می‌گوید: «تولیت موقوفه‌ها بعد از واگذاری به اولاد معمولاً ضعیف می‌شد. بنابراین، احتمالاً افراد به تجربه دریافته که مناسب‌تر است تولیت/نظارت را هم به آستان واگذار نمایند». آذری هم ضمن تأیید همین نظر می‌گوید: «از زمان ناصری که نظام اداری منظم‌تر می‌شود و نائب‌التولیه‌ها نیز افراد موثق‌تری هستند، اطمینان بیشتری برای واگذاری آن به آستان نیز حاصل می‌شود». شهیدی بر آن است: «ضمن آن که نوعی اعتماد مذهبی به ناصرالدین‌شاه رواج دارد، ثبات دوره ناصری دلیلی است برای واگذاری تولیت‌ها به آستان».

۱			+					۱۲۴۹-۱۲۵۰	میرزا ابوالقاسم خان معین الملک	۱۳	
۴		+	+				+	۱۲۵۰-۱۲۵۱	محمد میرزا سیف‌الدوله	۱۴	
۲		+	+					۱۲۵۱-۱۲۵۸	میرزا سعیدخان انصاری (موتمن الملک)	۱۵	
۲			+		+			۱۲۵۸-۱۲۵۹ ۱۲۶۰-۱۲۶۲ ۱۲۶۷-۱۲۶۹	محمدتقی میرزا رکن‌الدوله	۱۶	
۱			+					۱۲۵۹	میرزا حسین خان سپهسالار	۱۷	
۶	+	+		+	+	+	+	۱۲۶۲-۱۲۶۴	عبدالوهاب خان آصف‌الدوله شیرازی	۱۸	
۳			+	+			+	۱۲۶۴-۱۲۶۷ ۱۲۷۴-۱۲۷۵	میرزا محمدعلی صدرالممالک قزوینی	۱۹	
۲			+				+	۱۲۶۹-۱۲۷۱	فتحعلی خان صاحب‌دیوان شیرازی	۲۰	
۰								۱۲۷۱-۱۲۷۴	ابوالفتح میرزا مویدالدوله	۲۱	
۳			+	+	+			۱۲۷۵-۱۲۷۷	محمودخان مدیرالدوله	۲۲	
۲	+						+	۱۲۷۷-۱۲۸۰	محمد رضا صدیق‌الدوله نوری	۲۳	
۳	+		+				+	۱۲۸۰	سلطان حسین میرزا نیرالدوله	۲۴	
۱							+	۱۲۸۰-۱۲۸۱	میرزا ابوالقاسم نصیرالملک شیرازی	۲۵	
۳			+	+			+	۱۲۸۱-۱۲۸۲	مهدی قلی میرزا سهام‌الملک	۲۶	
۰								۱۲۸۲-۱۲۸۳ ۱۲۷۵	غلام رضا آصف‌الدوله شامسون	۲۷	
۲		+	+					۱۲۸۳-۱۲۸۵	میرزا کاظم آقا تبریزی (امام جمعه)	۲۸	
۲		+					+	۱۲۸۷-۱۲۸۹	میرزا محمد شفیع صدرالممالک قزوینی	۲۹	
۱			+					۱۲۸۹-۱۲۹۳ ۱۲۹۶-۱۲۹۷ ۱۳۴۰-۱۳۴۱ ۱۳۴۲-۱۳۴۴	میرزا مرتضی قلی خان طباطبایی نائینی	۳۰	
۳			+		+		+	۱۲۹۴-۱۲۹۵ ۱۲۹۸-۱۲۹۹	حاج سیدجواد ظهیرالاسلام	۳۱	
۵		+	+	+	+	+		۱۳۰۱-۱۳۰۲	حاج میرزا محمدعلی رضوی	۳۲	
۷۷	۵	۱۰	۲۱	۸	۷	۱۰	۷	۹	-----	جمع عملکردها	

موسی خان با حکم شاه در ادامه اقدامات محمدولی میرزا و همسو با والی جدید، عباس میرزا، به امور آستان اهتمام ورزید. انتساب به سادات سبب می‌شد احساس همدلی بیشتری نسبت به آستان و موقوفات داشته باشد. علاوه بر آن حمایت فتحعلیشاه، شخصیت مثبت وی، حیثیت اجتماعی خاندان فراهانی و همسرش، همراهی فرزندش با او همگی بر موفقیت او مؤثر بود. بدین سان پس از هفت سال از تصدی این منصب در سال ۱۲۱۷ش، نخستین نقطه اوج موقوفات در آستان را در عصر قاجار رقم زد. باید افزود این گونه نبوده که حتماً شخصی از

سادات و یا روحانی می‌بایست تولیت باشد تا امور نظم پیدا کند. مثال نقض آن را درباره عبدالوهاب‌خان و ظهیرالاسلام می‌توان دید.

در این عصر چهار متولی فهرستی از موقوفات آستان تهیه کردند: منجم‌باشی (۱۲۳۰ ش.)، مجدالملک (۱۲۴۷ ش.)، عضدالملک (۱۲۷۳ ش.) و صدیق‌الدوله (۱۲۷۸ ش.). شهیدی در مصاحبه می‌گوید: «این امر بیانگر اراده‌ای برای حفظ و مدیریت اوقاف است که بر اعتماد مردم مؤثر بود». کمتر از نیمی از متولیان هم برای آستان موقوفات غیرمنقول را داشته‌اند.ⁱⁱⁱ به غیر از نیرالدوله و میرزاسعیدخان انصاری «موقوفات متولیان در زمان تولیت افراد بوده است» (سوزنچی و جهانگیری، ۱۳۹۱، ص. ۹۰-۹۵). برخلاف ادعایی که «از زمانی که شیوه انتخاب متولیان بر اساس پیشکشی به شاهان وقت پیش آمد، کمتر متولی‌ای را می‌بینیم که موقوفاتی برای آستان در نظر گرفته باشد» (سوزنچی و جهانگیری، ۱۳۹۱، ص. ۹۵)، اکثر موقوفه‌های متولیان مربوط به دوره ناصری و مظفری است. ضمناً برخی از موقوفات متولیان این دوره زمین‌ها و املاک مخروبه‌ای است که عرصه آن‌ها جزء موقوفات آستان بوده و متولی آن را آباد کرده یا تغییر کاربری داده است.

ثبات اجتماعی

طی سال‌های ۱۱۷۵-۱۲۱۳ ش. حدود ۲۴ سال برخوردار از ثباتی نسبی و نظم‌شکننده و حدود ۱۷ سال، بی‌ثباتی بود. در سال‌های ۱۱۸۲ الی ۱۲۱۳ ش. نادر میرزا در مشهد تسلط داشت که با شکایت مردم از وی، قتل میرزا مهدی مجتهد و متواری شدنش همراه بود. در سال‌های ۱۲۲۸ الی ۱۲۳۱ ش. اسحاق‌خان قرایی در مرکز طغیان قرار داشت. فتنه‌انگیزی و نفاق خوانین در سال‌های بعد همچنان ادامه داشته به نحوی که دو نفر از امراء شجاع‌السلطنه و علی‌قلی میرزا، استعفا می‌دهند. در سال‌های ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۸ ش. طغیان محمدخان قرایی و رضاقلی‌خان زعفرانلو در کانون بی‌سامانی‌ها قرار دارد. طی سال‌های ۱۲۶۲-۱۲۶۶ ش. عامل اساسی بی‌نظمی فتنه حسن‌خان سالار است. در دوره ناصری به جز دو سال ابتدایی آن که ادامه فتنه سالار بود، تنها وقایعی که می‌توانست مسبب بی‌نظمی باشد حملات ترکمن‌ها بود که تا دهه‌های ۱۲۷۰ و ۱۲۸۰ شاهد آنیم. با این حال این تاخت‌وتازها کوتاه‌مدت بوده و قوای حکومتی قادر به دفع آنان بود. هرچند در دوره ناصری شاهد بی‌ثباتی بنیانی اجتماعی نیستیم، اما با پایان یافتن سرکشی خوانین و حملات ترکمن‌ها، ماهیت بی‌ثباتی تغییر یافت. این بار در دوره مظفرالدین‌شاه، درخواست برای تجدد را شاهدیم. امری که به مشروطیت ختم شد. ابتدای دوره احمدشاه مصادف با تصرف مشهد توسط اشرا و نظامیان روس و درگیری‌های متعاقب آن (۱۳۳۰ ق.) است. تطبیق جدول صفحه بعد با نمودار فراوانی وقف بیانگر آن است هرچند نقاط اوج و عطف موقوفات در سال‌های ثبات نسبی است؛ اما الزاماً در تمامی این سال‌ها شاهد سیر صعودی موقوفات نیستیم. همچنین، در سال‌های بی‌ثباتی، روند موقوفات به کلی منقطع نمی‌شود، هرچند از میزان پایینی برخوردار است.

جدول ۱۱. سال‌های ثبات نسبی، و بی‌ثباتی^۱

ثبات نسبی / بی‌ثباتی	سال	شاه
ثبات نسبی	۱۱۷۶-۱۱۷۵	آقامحمدخان قاجار
بی‌ثباتی	۱۱۸۲-۱۱۷۷	فتحعلیشاه
ثبات نسبی	۱۱۹۰-۱۱۸۳	
بی‌ثباتی	۱۱۹۶-۱۱۹۱	
ثبات نسبی	۱۲۰۲-۱۱۹۷	
بی‌ثباتی	۱۲۰۴-۱۲۰۳	
ثبات نسبی	۱۲۰۶-۱۲۰۵	
بی‌ثباتی	۱۲۰۸-۱۲۰۶	
ثبات نسبی	۱۲۱۳-۱۲۰۹	
ثبات نسبی	۱۲۲۳-۱۲۱۳	محمدشاه
بی‌ثباتی	۱۲۲۷-۱۲۲۴	ناصرالدین‌شاه
بی‌ثباتی	۱۲۲۸-۱۲۲۷	
ثبات نسبی	۱۲۳۸-۱۲۲۸	
بی‌ثباتی	۱۲۴۴-۱۲۳۹	
ثبات نسبی	۱۲۷۵-۱۲۴۵	مظفرالدین‌شاه
بی‌ثباتی	۱۲۷۶-۱۲۷۶	
ثبات نسبی	۱۲۸۵-۱۲۷۷	
بی‌ثباتی	۱۲۸۸-۱۲۸۵	محمدعلی‌شاه
بی‌ثباتی	۱۲۸۸-۱۲۹۵	احمدشاه
ثبات نسبی	۱۲۹۸-۱۲۹۶	
بی‌ثباتی	۱۳۰۴-۱۲۹۹	

بررسی نشان می‌دهد اقدامات مثبت متولیان و والیان از قبیل بازگرداندن موقوفات و اصلاح شیوه به همراه اقتدار حکومت افزایش وقف را رقم زده‌اند. در همین راستا در پنج سال نابسامانی ۱۱۸۹-۱۱۹۳ ش. به لحاظ حملات ازبک‌ها، ترکمن‌ها و شورش خوانین و مشخص نبودن تولید آستان شاهد هشت رقبه وقفی هستیم. همچنین، با وجود گزارش فریزر از موقوفه‌خواری در سال ۱۲۰۰ ش. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۴۲۵-۴۲۶)، از ۱۱۸۶ الی ۱۲۰۰ شاهد ۱۳ رقبه وقفی هستیم. همچنین طی حدود یک دهه تولید آستان از منجم‌باشی تا میرزاجعفرخان مشیرالدوله (۱۲۳۰-۱۲۴۱ ش.) با اقدامات شاخص متولیان شاهد ۲۸ رقبه وقفی هستیم. در سال

۱. شاخص بی‌ثباتی عبارتند از: طغیان خوانین و غارت‌گری‌های اقوام، فتنه‌ها و شورش‌های شهری، دخالت‌های نظامی روسیه یا انگلیس و تصرف مشهد

۱۲۳۳ش. با وجود تبعات شورش حسن خان و تهاجم‌ها، متولی آستان، میرزا فضل‌الله وزیرنظام و والی خراسان، فریدون میرزا، ضمن همکاری سازنده با یکدیگر و اقداماتی مانند بازپس‌گیری موقوفات و وقف رقبات (نقدی، ۱۳۹۹؛ حقیقی و نقدی، ۱۳۹۷)، باعث رشد وقف به میزان شش رقبه شد. از اواسط دهه ۱۲۴۰ گزارش‌ها از بهتر شدن تجارت در مشهد دلالت دارد و درآمد آستان که در ابتدای قاجار به ۲۰۰۰ تومان کاهش یافته بود (سازمان حج و اوقاف، ۱۳۶۴، ص. ۷۷)، به مبلغ حدود ۴۰۰۰۰ تومان نقد و ده الی یازده هزار خروار جنس بالغ گردید (بسطامی، ۱۳۹۳، ص. ۴۱۵). طی دهه ۱۲۶۰ الی ۱۲۶۹ تعداد رقبات وقفی به حدود ۳۶ می‌رسد.

دومین و آخرین نقطه اوج موقوفات در سال ۱۲۷۱ش. رقم می‌خورد. در این زمان با توجه به تصدی همزمان یک شخص به عنوان حاکم و متولی، ثبات اجتماعی، گسترش تشکیلات اداری و عدم اختلاف حاکم با حکومت مرکزی، تفاوت‌هایی را در مقایسه با نخستین نقطه (۱۲۱۷ش) ایجاد می‌کند. نخست، افزایش تعداد واقفان املاک از کارگزاران آستان. دوم، افزایش واگذاری تولید به آستان. سوم، پراکندگی بیشتر جغرافیایی موقوفات برخلاف قبل که در خراسان متمرکز بود. چهارم، مصارف نیز برخلاف مورد پیشین، غالباً خاص است. همان‌گونه که در نمودار پیداست پس از ۱۲۷۱ش. وقف ناگهان افت سریع و محسوس یافته و پس از نوساناتی تا پایان قاجار از روندی نازل برخوردار می‌شود. متولیان آخر قاجاریه با وجود تعدی‌های اولیای دفتر (کاپویانین، ۱۳۵۴، ص. ۹۹-۱۰۲)، سعی در اقدامات مثبت داشتند. این زمان به لحاظ نابسامانی اجتماعی قابل مقایسه با اوایل قاجاریه است با این تفاوت که میزان موقوفات بیشتر و تولید نیز بر عهده آستان قرار دارد. این امر و عدم تعیین ناظر می‌رساند که واقفان همچنان اعتمادی به تولیدها داشته‌اند.



نمودار ۱. سیر سالانه فراز و فرود وقف

جدول ۱۲. مقایسه داده‌های موقوفات در عصر قاجار^۱

مؤلفه‌ها	آقا محمدخان قاجار	فتحعلیشاه قاجار	محمدشاه قاجار	ناصرالدین‌شاه قاجار	مظفرالدین‌شاه قاجار	محمدعلی‌شاه قاجار	احمدشاه قاجار
مرد	۴	۲۰	۲۱	۱۱۸	۱۵	۱	۹
زن	۱	۹	۶	۱۳	۱	---	۱
پایگاه اجتماعی	متوسط متوسط (۲)	متوسط بالا (۱۵)	متوسط بالا (۲۱)	متوسط بالا (۵۰)	متوسط بالا (۶)	متوسط بالا (۱)	متوسط متوسط (۴)
پراکندگی جغرافیایی	خراسان (۳)	خراسان (۸)	خراسان (۱۱)	خراسان (۶۸)	خراسان (۹)	خراسان (۱)	خراسان (۷)
نوع رقبات	مزرعه (۴)	مزرعه (۱۹)	مزرعه (۱۳)	مزرعه (۲۹)	مزرعه (۶)	آسیاب، کاروانسرا، مغازه (۱)	مزرعه (۳)
نحوه تولیت	دیگری (۴)	دیگری (۱۹)	دیگری (۱۳)	آستان (۸۱)	آستان (۹)	آستان (۱)	آستان (۴)
نحوه ناظر	ندارد (۴)	ندارد (۲۶)	ندارد (۲۵)	ندارد (۶۳)	دیگری و ندارد (هر کدام، ۶)	دیگری (۱)	ندارد (۸)
نوع وقف عام/خاص	عام، خاص (هر کدام؛ ۲)	خاص (۲۱)	عام (۱۷)	خاص (۱۰۷)	خاص (۱۵)	خاص (۱)	خاص (۷)
نوع مصرف	سوخت، نائب‌الزیاره، کتابخانه (۱)	روشنایی (۱۲)	روشنایی (۴)	خدام (۴۶)	روشنایی (۶)	خدام، سادات (۱)	خدام (۲)
میانگین سالانه وقف	۲	۰٫۸۱	۲	۲٫۷۱	۱٫۵	۰٫۳۳	۰٫۵۳
نسبت متولی-والی به متولیان	---	---	یک سوم	شش نفر متولی-والی = یک سوم	یک هفتم	---	---

رویکرد شاهان قاجار نسبت به وقف به آستان چگونه بود و تشکیلات آستان در این عصر چه وضعیتی

داشت؟

شاهان قاجار و موقوفات آستان

همان‌گونه که در جدول ۱۰، آمده بیشترین وقفیات مربوط به دوره ناصری است. اقدامات ناصرالدین شاه مانند تنظیم بودجه، نظارت، دقت و رسیدگی به تشکیلات اداری آستان، صدور احکام برای مناصب و خدمه، افزایش مواجب خدام و ثبات این عصر بر رشد موقوفات به شدت تأثیر داشت. در مصاحبه نظر کرده می‌گوید: «با سفر شاه به مشهد، ضمن رسیدگی به عریضه‌های مردم و اطلاع‌رسانی از سفر مذهبی شاه، بر اعتماد مذهبی مردم به شاه و آستان افزوده می‌گردید که متعاقباً رشد موقوفات را در پی داشت». ضمناً داشتن نائب‌الزیاره یا

۱. در این جدول بیشترین موارد هر مؤلفه با فراوانی‌شان ذکر گردیده است.

نایب‌الخدمه بر جذب وقف مؤثر بود. مضاف بر آن که برخی بستگان شاه مانند انیس‌الدوله همسر ناصرالدین‌شاه علاوه بر برخورداری از نایب‌الخدمه عنوان اختصاصی خادمه ضریح و موقوفاتی داشتند. مروری بر نوع غالب هدایا یا وقفیات شاهان قاجار (درب‌های طلا و نقره، قنادیل و چلچراغ‌ها، جواهرات و جقه‌ها) که می‌توانست در غارت‌های مکرر به یغما رود، بیانگر آن است که این‌گونه بخشش‌ها نه از نگرانی نسبت به رفاه دیگران بهره می‌گرفت، نه کنترل سرمایه. بلکه به نظر می‌رسد بیشتر بیانگر گرایش نخبه‌گرایانه است که می‌توانست تضمین‌کننده مشروعیت آنان از طریق به اثبات رساندن این که غیر از آنان کسی لایق این موهبت عظمی یعنی تولیت نیست، باشد.

وضعیت تشکیلات آستان

پس از ۵۶ سال از گزارش فریزر (۱۲۰۰ش.) مبنی بر تعدی به اموال و عایدات موقوفات آستان توسط خدام و مباشرین (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۴۲۵-۴۲۶)، حاج سیاح (۱۲۵۶ش.) نیز بر حیف و میل آن توسط ملانماها و برخی کارگزاران آستان صحه می‌گذارد (سیاح، ۱۳۴۶، ص. ۱۳۳). چنان که عضدالملک در دهه ۱۲۳۰ش. نیز بر آن است حکام، کارگزاران آستان و نیز دولتمردان از اموال و موقوفات سوءاستفاده می‌کنند (همدانی مستوفی، ۱۳۱۷، ص. ۶۸). صفت بارز سال‌های ۱۲۸۱ الی ۱۲۸۸ش. خصوصاً دوره محمدعلی‌شاه را می‌توان بی‌توجهی به مشکلات مردم، بی‌ثباتی، خودخواهی و نفع‌پرستی والیان و صاحب‌منصبان دانست. از ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۴ش. نیز این وضع با وخیم‌تر شدن اوضاع ضمن حوادثی مانند به توپ بستن حرم، دو دستگی مشروطه‌خواهان و مخالفان آن که بر تعدی و خودسری اولیای دفتر و کارگزاران آستان تأثیرگذار بود، ادامه می‌یابد. عین‌السلطنه می‌نویسد: علی‌رغم این که موقوفات مصارف معین دارند اما ابداً به آن‌ها عمل نمی‌شود (عین‌السلطنه، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۴۷). بنا بر نظری «عامل اصلی تمام خرابی‌ها و قروض آستانه فقط عده‌ای متنفذین و اولیای آستانه و تولیت‌های سابق بوده‌اند. آن‌ها همه‌س‌اله با عناوین مختلف ... اموال آستان را حیف و میل می‌کردند و ... عایدات آستان را از بین برده آن را صرف تجملات شخصی ... می‌کردند» (نجف‌زاده و جهانگیری، ۱۳۹۶، ص. ۱۴۱). بدین‌سان در نبود نظارت دقیق بر امور آستان و بازپرسی کارگزاران دست تعدی به اموال و عایدات آستان و موقوفات آن بازتر بوده است. در اواخر این دوره همانند ابتدای آن در تشکیلات اداری آستان و روند امور آن اختلال جدی وارد شد و بیش از هر زمان دیگری مقروض گردید. بدین‌ترب از روند موقوفات بسیار کاسته شد.

ارتباط بین نیروهای اجتماعی: حکومت - روحانیت - متولی با محوریت موقوفات آستان چگونه بود؟

ارتباط بین نیروهای اجتماعی: حکومت - روحانیت - متولی

شاهان قاجار برای مشروعیت حکومت (الگار، ۱۳۵۶؛ مستوفی، ۱۳۸۴؛ زیباکلام، ۱۳۷۷) حتی افراد برای دستیابی به مناصب (فوروکاوا، ۱۳۸۴) نیازمند جلب رضایت و حمایت علما بودند (به نقل از ارمکی و جنادله، ۱۳۹۳، ص. ۴۸-۵۰). استفاده از نظر روحانیون از ابتدای قاجار همواره در آستان وجود داشته است. مانند: «اجازه از مجتهد جامع‌الشرایط برای صرف مازاد درآمد موقوفات در جای دیگر» (سوزنچی و جهانگیری، ۱۳۹۱، ص. ۶۴). فریزر (۱۲۰۰ش.) با اشاره به همکاری متولیان با مجتهدان در اداره موقوفات می‌نویسد: «متولی همیشه با مجتهدین... متحد و متفق است، چه آن‌ها نهایت مقتدرند و بیش از حاکم و مامور دولتی مسلط می‌باشند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص. ۳۱۳). نظرکرده می‌گوید: «حضور روحانیت در مناصب مختلف آستان از دوره ناصری همسو با گریشات مذهبی شاه پررنگ‌تر می‌شود». بیت (۱۲۷۲ش.) نیز می‌نویسد: «نزدیک بیست نفر مجتهد بزرگ در اداره آستانه دست داشته‌اند»، وی با برآورد صد هزار تومان درآمد آستانه در سال اظهار می‌دارد نزدیک ۷ درصد آن برای پرداخت به روحانیون و زوار در نظر گرفته می‌شود (بیت، ۱۳۶۵، ص. ۳۲۰-۳۰۱). در گزارش صورت‌سان عموم اهالی آستانه (۱۲۵۸ش) ظاهراً از جمله مستمری‌بگیران آستانه بدون آن که خدمتی در ازای این مستمری از آن‌ها خواسته شود، بعضی علما هستند (نقدی، ۱۳۹۹، ص. ۸۷). اما شاهان قاجار تولید را تماماً به روحانیت واگذار نمی‌کردند. از سی و چهار متولی آستان در این عصر، شش روحانی متولی شدند.^۱ نهادهای روحانی هم نیازی جدی به اوقاف داشتند (مطبعه‌چی، ۱۳۸۷، ص. ۶۵۶). آنان که غالباً از سادات بوده‌اند، در مشاغل موروثی مانند کلیدداری ضریح، مدرسان آستان، خادم‌باشی‌ها و نیز در سطوح پایین‌تر مانند عریضه‌نویسی انجام وظیفه و کسب درآمد می‌کردند.

با وجود همکاری‌های بین متولی آستان و روحانیت، شواهدی نیز حاکی است که روحانیون همیشه نظر مساعد نسبت به والی و یا متولی نداشتند. مانند مخالفت آنان با نظام‌السلطنه و عبدالوهاب‌خان که منجر به برکناری‌شان شد (فاضلی، ۱۳۹۸، ص. ۱۸۷ و ۳۲۸). حاج سیاح از ملانماهایی که برای کسب منفعت خویش مخالف هرگونه اصلاح هستند انتقاد کرده بود (سیاح، ۱۳۴۶، ص. ۱۳۳).

به دلایلی از جمله بی‌ثباتی و ضرورت برقراری امنیت، حکام نسبت به متولیان در انجام کارها از استقلال و ارجحیت بیشتری برخوردار بودند و بین آن دو همکاری یا تنش‌هایی وجود داشت. «مضمون نامه‌های ارسالی از سوی حکام ایالتی خراسان روشن می‌کند آنان قادر بودند در بسیاری از حوزه‌ها و اختیارات متولی از جمله مسائل مربوط به موقوفات دخالت کنند. به نظر می‌رسد به هر نسبت والی خراسان در ایجاد نظم و رضایت

۱. خویی و بروجردی در انتهای محمدشاه و اوایل ناصرالدین‌شاه و کاظم‌آقا تبریزی، طباطبایی، ظهیرالاسلام و محمدعلی رضوی در انتهای قاجاریه

سلطان موفق بوده به همان اندازه دست آنان در مداخلات امور آستان بازتر بوده که سبب بروز آشفتگی در امور آستان می‌گردید» (علیزاده و ناصری، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۱-۱۶۵). البته این امر نیز بستگی به رابطه آنان با شاه و کسب رضایت وی و دربار داشت. با این حال صرف اهمیت داشتن امنیت برای مداخله والیان در امور آستان و آشفتگی آن کافی نیست. شخصیت و جایگاه اجتماعی والیان نیز مهم بوده است. به عنوان مثال، والیانی مانند محمودلی میرزا با همکاری روحانیت در خصوص آستان و موقوفات آن اقدامات مثبتی انجام می‌دهد.

با ادامه اختلاف بین دو منصب از اواسط این دوره ما شاهد جمع شدن دو منصب تولیت آستان و حکمرانی ایالت همزمان در یک نفر هستیم (نعمتی، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۶). ضمناً «از آنجا که آمیختگی والی خراسان و متولی آستانه در یک شخص جایگاه متولی را از نظر سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی بیش از پیش تقویت می‌کرده، استانداران گاه این سمت را به شرط واگذاری نیابت آستانه قبول می‌کردند» (ناصری، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۴-۱۶۵). بدین ترتیب وحدت منصب متولی‌باشی و والی‌گری به نظر حسن‌آبادی و احمدی در مصاحبه می‌توانست موجب «انسجام قوانین و ضوابط» و «تسهیل بیشتر امور» شود و از این طریق بر رشد موقوفات مؤثر باشد.

جدول ۱۳. نسبت سالانه وقفیات به سال‌های تصدی همزمان متولی و والی و یا تفکیک آن‌ها^۱

مؤلفه‌ها	متولی - والی	متولی
فراوانی		
تعداد وقف	۶۶	۱۳۷
مجموع سال‌ها	۱۷	۱۰۴
سرانه سالیانه	۳/۹۹	۱/۳۱

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله در پی آن بود نخست چگونگی وقف‌های غیرمنقول آستان در عصر قاجار را بررسی کند. بدین ترتیب؛ ۸۴ درصد، واقفان مردان هستند. بیشترین پایگاه اجتماعی با ۴۵ درصد متعلق به متوسط‌بالا است. بیشترین پراکندگی جغرافیایی با ۶۹ درصد در خراسان است. بیشترین رقبه وقفی؛ مزرعه، حدود ۳۶ درصد، بیشترین مصارف مربوط به خدام حدود ۱۷ درصد و روشنایی حدود ۱۵ درصد است. ۳۵ درصد واگذاری تولیت‌ها به آستان است و ۶۲ درصد واقفان ناظری تعیین نکرده‌اند. همچنین وقف خاص با ۷۳ درصد بیشترین میزان را داراست. ضمناً بیشترین میانگین سالیانه وقف‌ها (۳/۸۸) مربوط به دوره‌هایی است که یک نفر همزمان متولی و والی بوده است.

۱. سطر اول بیانگر تعداد وقف‌ها در زمان‌هایی است که متولی و والی یک نفر بوده یا دو منصب از هم جدا بوده است. در سطر دو جمع سال‌های دوره قاجار که یک نفر همزمان تصدی دو منصب را برعهده داشته یا این دو منصب از هم تفکیک بوده‌اند ذکر شده و در سطر سوم نسبت تعداد وقف‌ها به زمان‌هایی که متولی و والی یک نفر بوده یا دو منصب از هم جدا بوده محاسبه شده است.

به منظور تفسیر داده‌ها، در کنار مؤلفه‌های ساختاری مانند انتخاب متولی، ثبات/بی‌ثباتی، وضعیت تشکیلات آستان، رویکرد شاه، ارتباط نیروهای اجتماعی، بهره‌گیری از برخی مفاهیم نظری ضروری است. در این زمینه چند دسته عوامل از هم قابل تمایز هستند: آن‌هایی که انگیزه‌بخش هستند، مانند اهمیت داشتن منزلت اجتماعی واقف در جامعه مذهبی و آن‌هایی که تقویت‌کننده و جهت‌دهنده انگیزه‌ها هستند، مانند: رویکردهای شناختی و پیوندهای زوجی.

با در نظر داشتن نگاه دینی واقفان، به نظر می‌رسد رویکردهای نخبه‌گرایانه و منافع اجتماعی مانند کسب منزلت، اعمال نفوذ، مصون بودن از انتقادات و مثبت ارزیابی شدن از توان توضیح بیشتری برخوردار است. در همین راستا در کلان‌ترین سطح، شاه نیاز به مشروعیت و مقبولیت داشت و حق شرعی - عرفی تولیت آستان را آن خود می‌دانست و بدین ترتیب اقداماتش منجر به اعتماد مذهبی مردم می‌گردید. حتی روحانیت نیز علاوه بر دلایلی شرعی، نیاز به حفظ احترام و تمایز خویش، منبع درآمد، اعمال نفوذ و قدرت داشت.

رویکردهای شناختی، پیوندهای زوجی، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد بیشتر در پی تقویت تمایل به وقف و نوع مصرف آن هستند تا ایجاد انگیزه. بنابراین، می‌بایست به عنوان عوامل مقوم در ترکیب با مفاهیم فوق در نظر گرفته شوند. رویکرد پیوندهای زوجی در همه موارد صائب نیست. برای مثال، با وجود بیشترین اقدام صورت گرفته توسط متولیان در زمینه بیوتات (۲۱ مورد) اما تنها حدود ۵ درصد موقوفات غیرمنقول را به خود اختصاص داده است. همین مسئله در مورد امور بهداشتی - درمانی نیز صادق است. «نیازهای احساس شده» به عنوان مفهومی موجد و جهت‌دهنده، ذیل رویکرد شناختی برای توضیح مناسب است. بدین معنی که افراد بر اساس تجربه، نیازهایی را مشاهده کرده و اقدام به رفع آن می‌کنند.

شواهد تاریخی بیانگر آن است شرایط نامساعد ساختاری بر امنیت روانی و اعتماد واقفان به آستان می‌توانست تأثیرگذار باشد، اما نمی‌توانسته مانعی قطعی و دائم برای وقف ایجاد کند، به شرط آن که والی و متولی اهتمامی به امور آستان داشته و در جبران خسارات کوشیده باشد. بنابراین، این‌گونه نیست که در دوره‌های بی‌ثباتی هیچ وقفی صورت نگرفته باشد. بلکه شواهد حاکی است هرچند از میزان وقف کاسته شده، اما از تنوع جغرافیایی وقف بیشتر کاسته و محدود به خراسان شده است. نکته حائز اهمیت آن است که تأثیر اقدامات متولیان را در بازه‌ای طولانی‌تر می‌توان مشاهده کرد. به عبارتی، طی بیست و پنج سال (۱۲۵۰-۱۲۷۵ ش.) که مجموع اقدامات متولیان ۲۱ مورد (۲۷ درصد کل اقدامات) است، حدود نیمی از موقوفات این عصر (حدود ۱۰۰ رقبه)، با میانگین سالانه چهار رقم می‌خورد. در مقایسه با دو دهه ۱۲۸۰ و ۱۲۹۰ که با افول وقف مواجه‌ایم. در این بیست سال یازده رقبه وقفی ثبت شده، به عبارتی میانگین سالانه ۰٫۵، مجموع اقدامات متولیان در این دو دهه برابر ۱۲ و معادل ۱۵ درصد کل اقدامات است. ضمناً باید در نظر داشت که میانگین سالانه وقف در

عصر قاجار حدود ۱,۵ است. همچنین، در این زمان‌ها نقش عاملیت‌ها با در نظر داشتن شخصیت و نسب خانوادگی پررنگ‌تر می‌شود. در سال‌های ۱۲۵۰ الی ۱۲۷۵ ش. شخصیت شش نفر از ده متولی مثبت، دو نفر متوسط و دو نفر هم ضعیف ارزیابی شد. در مقایسه با سال‌های ۱۲۸۰ الی ۱۲۹۵ که هشت نفر متولی بودند؛ شخصیت چهار نفر مثبت و چهار نفر ضعیف ارزیابی گردید.

جدول ذیل برگرفته از ملاک‌هایی مؤثر در نقاط اوج وقف است که در پژوهش بدان پرداخته شده است.

جدول ۱۴. عوامل مؤثر بر رشد موقوفات

شاه	نام متولی (سال)	واقف بودن متولی	نمره اقدامات	تعداد رقبه	امنیت و ثبات اجتماعی	ثبات در آستان ^۱	تصدی همزمان منصب تولیت و والی	همکاری متولی با والی	شخصیت متولی ^۲	جایگاه حاکم ^۱
فتحعلیشاه	موسی‌خان (۱۲۱۷)	✓	۶	۱۰	✓	✓	-	✓	مثبت	مقتدر
ناصرالدین شاه	محمدتقی‌خان رکن‌الدوله (۱۲۶۸)	✓	۲	۹	✓	✓	✓	-	متوسط	مقتدر
	فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان (۱۲۷۱)	✓	۲	۱۰	✓	-	✓	-	مثبت	مقتدر
	ابوالفتح میرزا مویدالدوله (۱۲۷۱)	✓	۰	۱۰	✓	-	✓	-	ضعیف	ضعیف
مظفرالدین شاه	محمدعلی صدر الممالک قزوینی (۱۲۷۴)	-	۳	۸	✓	-	-	؟	مثبت	ضعیف

بنابراین هیچ مؤلفه‌ای به تنهایی کفایت نمی‌کند. رشد موقوفات در دورانی رقم خورده است که ثبات برقرار بوده، متولی و والی یک نفر باشند یا با یکدیگر همکاری کنند و اقداماتی که برخوردار از بازتاب اجتماعی و توانایی کسب اعتماد را داشته باشد انجام دهند. ضمناً شخصیت والی و متولی نیز به لحاظ رضایت از حسن خلق، درستکاری، کاردانی، دقت نظر و اقتدار مهم است.

۱. بر مبنای توانایی حاکم در کنترل اوضاع و تسلط بر استان طیف سه‌گانه مقتدر- متوسط - ضعیف در نظر گرفته شد.

۲. شخصیت متولیان بر حسب حسن سلوک، رضایت‌مندی، امانت‌داری و اصالت خانوادگی در طیفی از مثبت، متوسط و ضعیف دسته‌بندی گردید.

۳. تغییر/ماندگاری متولی و اقدامات او، حفظ/تعدی و حیف و میل موقوفات توسط کارگزاران آستان به عنوان ملاک در نظر گرفته شد.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی و کارشناسان محترم مدیریت اسناد، بنیادپژوهش‌ها و مدیریت موقوفات آستان قدس رضوی به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. همچنین، از داوران محترم به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای سازنده و ارزشمند تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

- آستان قدس رضوی دیروز و امروز (۱۳۵۶). مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- احتشام کاویانین، محمد (۱۳۵۴). *شمس‌الشموس یا انیس‌النفوس*. مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- اسکاچیل، تدا (۱۳۸۸). *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*. ترجمه هاشم آقاجری، تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسنخان صنیع‌الدوله (۱۳۶۳). *مطلع‌الشمس*، ج ۲. به اهتمام تیمور برهان لیمودهی. تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- اکبری، ابوالفضل، (۱۳۹۹). *تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی - تاریخی دوره‌های تیموری، صفوی و پهلوی)*. رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی، استاد راهنما: حسین بهروان، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- امیرزاده، حسن (۱۳۹۶). *موقوفه‌های زائران و نقش آن در زیارت از صفویه تا اواخر قاجار*. نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت. ویرایش و گردآوری مجموعه مقالات: ابوالفضل حسن‌آبادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی. ۸۷-۱۲۰.
- انوار رضویه؛ مروری بر روشنائی حرم مطهر امام رضا (ع)* (۱۳۹۳). مشهد: اداره کل روابط عمومی آستان قدس رضوی، تابستان.
- باشتینی، موسی‌الرضا (۱۳۹۱). *وقف و سوگواری و روضه‌خوانی در دهه آخر صفرالمظفر. ویژه‌نامه وقف آستان قدس رضوی*، مشهد: دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس، ۱۵۰-۱۵۶.
- بامداد، مهدی (۱۳۵۷). *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴*، ج ۳، تهران: نشر زوار.
- بسطامی، نوروزعلی (۱۳۹۳). *فردوس‌التواریخ (تاریخ مشهد)*. تصحیح حمید سیدی و غلامرضا پرنده و ابراهیم عرب‌پور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- پرنده، غلامرضا (۱۳۹۱). *مدیریت موقوفات آستان قدس رضوی. ویژه‌نامه وقف آستان قدس رضوی*، مشهد: دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس، ۱۷۱-۱۷۴.
- جنادله، علی (۱۳۹۵). *روابط نهادی دولت و جامعه در ایران پیشانوسازی؛ نقد نظریه شکاف تاریخی دولت و ملت در ایران و ارائه یک دیدگاه بدیل. فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۶(۷۶)، ۲۷-۷۴.
- جنادله، علی، آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). *پیکربندی نهادی مبتنی بر موازنه قدرت در جامعه سنتی ایران؛ بازخوانی تحولات ایران از صفویه تا قاجاریه بر اساس رویکرد نهادگرایی تاریخی*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۵(۳)، ۲۹-۶۴.
- حائری‌یزدی، محمدحسن (۱۳۸۰). *وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۱). جایگاه متولیان در اداره موقوفات آستان قدس رضوی. *ویژه‌نامه وقف آستان قدس رضوی*، مشهد: دبیرخانه شورای عالی فرهنگی، ۴۹-۷۰.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۷). *سادات رضوی در مشهد: از آغاز تا پایان قاجاریه*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۶). ساختارشناسی عملکرد موقوفه‌ای آستان قدس رضوی در کمک به زائران و نیازمندان. *نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت*. ویرایش و گردآوری مجموعه مقالات: ابوالفضل حسن‌آبادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳-۳۷.
- دهقان، مرضیه (۱۳۸۴). *نقش نهاد وقف در دگرگونی‌های اجتماعی- فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه الزهرا، تهران.
- رضوی، ابوالفضل؛ رهنما (حسن‌وند)، شهرام (۱۳۹۶). چپستی، خاستگاه و علل برآمدن تاریخ اجتماعی. *فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام*، ۱۱(۱)، ۵۹-۸۴.
- ریاحی‌سامانی، نادر (۱۳۷۸). *وقف و سیر تحولات قانونگذاری در موقوفات*. شیراز: انتشارات نوید.
- ژیان‌پور، حمید؛ ژیان‌پور، فرزانه (۱۳۹۶). تحلیل محتوای اسناد کمک‌های مالی آستان قدس به زائران ایرانی در دوره قاجار (بازه زمانی ۱۲۶۴ تا پایان ۱۳۰۰ه.ق). *نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت*. ویرایش و گردآوری: ابوالفضل حسن‌آبادی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۹۲-۲۳۶.
- سوزنچی‌کاشانی، علی؛ جهانگیری‌کلاته، کاظم (۱۳۹۱). موقوفات متولیان آستان قدس رضوی از صفویه تا پایان قاجاریه. *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*، ۱(۱)، ۶۲-۹۸.
- سیاح، حمید (۱۳۴۶). *خاطرات سیاسی حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت*. تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران: نشر ابن سینا.
- سیدی، مهدی (۱۳۷۸). *تاریخ شهر مشهد*. مشهد: شهرداری مشهد.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۹۰). *سنجش تطبیقی وقف طی دوره قاجاریه و پهلوی*. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۹(۲۵)، ۱۷-۳۸.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۹۱). *جستارهای روشی در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ ناصری، اکرم، (۱۳۹۲). منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار. *دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخنامه ایران بعد از اسلام*، ۳(۶)، ۱۳۹-۱۶۵.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا (۱۳۷۶). *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، ج ۲. به اهتمام مسعودمیرزا سالور. تهران: نشر اساطیر.
- فاضلی بیرجندی، محمود (۱۳۹۸). *تاریخچه‌ای از فرمانروایان خراسان؛ از آغاز تا پایان پهلوی*. تهران: نشر پایان.
- کراسول، جان دالبیو (۱۳۹۱). *روش و طرح تحقیق کیفی*. ترجمه: طهمورث حسنقلی‌پور و اشکان الهیاری و مجتبی براری، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- لمبتون، آن. کی. اس. (۱۳۳۹). *مالک و زارع در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مدرس‌رضوی، محمدتقی (۱۳۷۸). *سالشمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم*، به کوشش ایرج افشار، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مطبعه‌چی، مصطفی (۱۳۸۷). جایگاه وقف در تحولات جامعه ایران: دوره قاجاریه. *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی وقف و تمدن اسلامی*، اصفهان، آبان ۱۳۸۷، ج ۳، ۶۵۲-۶۷۶.

- منتظری سانیجی، گلناز (۱۳۹۴). بررسی تحلیل محتوای وقف‌نامه‌های دوره قاجار موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته نسخه‌شناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و نسخه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه امام رضا (ع)، مشهد.
- ناصری، اکرم (۱۳۸۹). کارکردهای سیاسی - اجتماعی تولیت آستان قدس رضوی در دوره قاجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، خراسان.
- نجف‌زاده، علی؛ جهانگیری کلاته، کاظم (۱۳۹۶). پژوهشی درباره زمینه‌های شکل‌گیری و کارکرد هیئت متحده خدام در آستان قدس رضوی (۱۳۴۴-۱۳۳۳ق). فصلنامه تاریخ‌پژوهی، ۶۸، ۱۳۷-۱۶۲.
- نجف‌زاده، علی؛ قصابی گزکوه، جلیل (۱۳۹۷). نقش مؤسسات خیریه داخلی و خارجی در رفع بحران قحطی مشهد در دوره جنگ اول جهانی. پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۳۳، ۴۵-۶۲.
- نظرکرده، اعظم (۱۳۹۱). پایگاه اجتماعی واقفان املاک آستان قدس رضوی. پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، ۱(۱)، ۹۹-۱۲۳.
- نظرکرده، اعظم (۱۳۹۶). بررسی اسناد موقوفه‌های زواری در دوره صفویه. نقش وقف در ترویج فرهنگ زیارت. ویرایش و گردآوری مجموعه مقالات: ابوالفضل حسن‌آبادی، ۶۶-۸۶، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- نعمتی، بهزاد (۱۳۸۵). نمونه مهر متولیان دوره قاجار. دفتر اسناد، ج دوم و سوم. به کوشش زهرا طلایی، ۳۱۵-۳۳۲. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- نقدی، رضا (۱۳۹۹). تاریخ و تشکیلات آستان قدس رضوی در عصر قاجار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- نیک‌مهر، اسدالله (۱۳۹۱). وقف در مشهد عصر پهلوی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی، مشهد.
- همدانی مستوفی، اسماعیل‌خان (۱۳۱۷). آثار الرضویه من منتخبات الصدیقه. چاپ سنگی، مشهد.
- بیت، چارلز ادوارد (۱۳۶۵). سفرنامه خراسان و سیستان. ترجمه قدرت‌الله روشنی زعفرانلو و مهرداد رهبری. تهران: انتشارات یزدان. پایگاه نمایه‌سازی مدیریت اسناد آستان قدس رضوی.

Reference

- Astan Quds Razavi; yesterday and today (1977). Mashhad, Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Adloff, F. (2014). Foundations and the Charisma of Giving: A Historical Sociology of Philanthropy in Germany and the United States. *International Society for Third-Sector Research and The Johns Hopkins University*. DOI:10.1007/s11266-014-9508-4.
- Ain al-Saltaneh, G. M. (1997). *Ain al-Saltaneh Diaries newspaper*, Volume 2. Edited by Masoud Mirza Salur. Tehran: Asatir Publishing House. (in Persian)
- Akbari, A. (2020). *Sociological Analysis of the Impact of Waqf on Development in Mashhad (Comparative Historical Study of Timurid, Safavid and Pahlavi Periods)*. Ph.D. Thesis, Department of sociology Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran. (in Persian)
- Alizadeh Birjandi, Z., & Naseri, A. (2013). The position of trusteeship and factors affecting the performance of the trustees of Astan Quds Razavi in the Qajar era. *Journal of Iranian Islamic Period History*, 4(6), 139-165. (in Persian)

- Amirzadeh, H. (2017). Waqfs of pilgrims and its role in pilgrimage from Safavid to late Qajar. *The role of endowments in the promotion of the culture of pilgrimage*. edited by Abulfazl Hasanabadi. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Anwar-e-Razavieh; *A review of the illumination of the holy shrine of Imam Reza (a.s.)*. Mashhad: Public Relations Office of Astan-Qods-Razavi, summer 2013. (in Persian)
- Azadarmaki, T., & Janadeleh, A. (2013). A study on the Formation of the Institutional Configuration, based on the Balance of Power in Iranian Traditional Society (Reviewing Changes in Iran from Safavid to Qajar from Historical Institutionalism Point of View). *Iranian Journal of Sociology*, 15(3), 29-64. (in Persian)
- Azari Khakestar, G. R., & Hosseinzadeh Sureshjani, S. (2022). *The five-hundred-year history of medical serviced in Astan Quds Razavi*. Mashhad: Organization of libraries, museums & documents center of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Ehtsham Kaviani, M. (1975). *Shams-al-Shomus, or Anis al-Nufus*. Mashhad: Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Etemad al-Saltaneh, M. H. K. S. D. (1984). *Matla al-Shams*, vol 2. Barhan Limodehi. Tehran: Farhangsara Publishing House. (in Persian)
- Bamdad, M. (1978). *Šarḥ-e ḥāl-e rejāl-e Īrān dar qorūn-e 12 wa 13 wa 14 hejrī* (Biographies of [notable] personages of Iran in the 12th, 13th, and 14th/18th, 19th, and 20th centuries). Vol 3. Tehran: Zavar Publishing House. (in Persian)
- Barman, E. (2007). An Institutional Approach to Donor Control: From Dyadic Ties to a Field Level Analysis. *American Journal of Sociology*, 112(5), 1416–57. DOI: 10.1086/511802.
- Bashtini, M. A. R. (2011). Waqf, mourning and fasting in the last decade of Safar al-Muzaffar. *Astan Quds Razavi's special Waqf letter*. Mashhad: Secretariat of the Supreme Cultural Council of Astan Quds, 150-156. (in Persian)
- Bastami, N. A. (2014). *Ferdows al-Tawarikh (History of Mashhad)*. Edited by Hamid Seyyedi, Gholamreza Parandeh and Ebrahim Arabpour. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Creswell, J. W. (2012). *Qualitative inquiry and research design, choosing among five approaches*, translated to Persian by Hassan Qolipour, Allahiari, A., Barari, M. Tehran: Negah Denesh. (in Persian)
- Dehghan, M. (2005). *The role of the Waqf institution in the socio-cultural transformations of Mashhad during the Safavid era*. Master's thesis in the history of Iran in the Islamic period, Al-Zahra University, Tehran. (in Persian)
- Fazeli Birjandi, M. (2018). *A history of the rulers of Khorasan; From the beginning to the end of Pahlavi*. Tehran: Payan Publishing House. (in Persian)
- Haeri Yazdi, M. H. (2010). *Waqf in Islamic jurisprudence and its role in the prosperity of Islamic economy*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Hamedani Moustofi, I. K. (1938). *Asar al-Razawiyeh, Men Montakhat al-Sadiqah*. Mashhad: Lithograph. (in Persian)
- Hasanabadi, A. (2017). Structural analysis of endowment performance of Astan Quds Razavi in helping pilgrims and the needy. *The role of endowments in the promotion of the culture of*

- pilgrimage*. edited by Abulfazl Hasanabadi. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Hasanabadi, A. (2007). *Sadat Razavi in Mashhad; From the beginning to the end of the Qajar dynasty*. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Hasanabadi, A. (2011). The position of Custodians in the Waqf administration of Astan Quds Razavi. *Astan Quds Razavi's special Waqf letter*. Mashhad: Secretariat of the Supreme Cultural Council of Astan Quds. (in Persian)
- Hosseinzadeh Sureshjani, S. (2016). *History of Astan-e Quds daros-safa (the hospital) from the safavid to the end of Qajar period*. Tehran: Islamic Azad University. (in Persian)
- Janadleh, A. (2016). institutional Relations between State and Society in Pre-Modernized Iran (Criticizing the Theory of Historical Gap Between the State and the Nation in Iran and Providing an Alternative View). *Quarterly Journal of Social Sciences*. Allameh Tabataba'i University, 24(76), 27-74. <https://doi.org/10.22054/qjss.2017.7601>. (in Persian)
- Jiyanpour, H., & Jiyanpour, F. (2016). Analysis of the content of financial aid documents from Astan Quds to Iranian pilgrims during the Qajar period (1264 to the end of 1300 AH). *The role of endowments in the promotion of the culture of pilgrimage*. Edited by, Abulfazl Hasanabadi. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Lambton, A. K. S. (1960). *Landlord and Peasant in Persia: a study of Land Tenure and Land Revenue Administration*. translated to Persian by Manouchehr Amiri. Tehran: Book Translation and Publishing Company. (in Persian)
- Matbaehchi, S. M. (2008). The position of Waqf in transformations of Iran society in Qajar era. *International conference on Waqf and Islamic civilization*. Isfahan. (in Persian)
- Modarres Razavi, M. T. (1999). *Chronicle of the events of Mashhad in the 5th to 13th centuries*, by Iraj Afshar, Mashhad: Research Foundation of Astan Quds Razavi Islamic. (in Persian)
- Montazeri Saniji, G. (2016). *The Analytic-Content Based Survey of the Endowment Deeds in Qajar Era; Exist in the Documents Centre of Astane Qudse Razavi*. Master's thesis of Iranology-codicology (Manuscripts Studies). Knowledge and Information Science Department, Faculty of Literature and Human Science, Imam Reza International University, Mashhad. (in Persian)
- Naghdi, R. (2019). *History and organization of Astan Quds Razavi in the Qajar era*. Mashhad: Research Foundation of Astan Quds Razavi Islamic. (in Persian)
- Najafzadeh, A., & Ghasabian, J. (2019). The Role of Domestic and Foreign Charities in Mashhad Famine Crisis During World War I (1336-1332). *Journal of Great Khorasan*, 9(33), P. 62-45. (in Persian)
- Najafzadeh, A., & Jahangiri, K. (2017). Formation and Function of the United Servants Board in Astan Quds Razavi (A.H 1333-1344). *Journal of Historical Research*. 68, 137-162. (in Persian)
- Naseri, A. (2010). *Political and Social functions of Toliyat-e -Astan-e- Ghods-e- Razavi in Qajar period*. Master's thesis of Arts in History. Faculty of literature and Humanities, The University of Birjand. (in Persian)

- Nazarkardeh, A. (2017). Examining the documents of the Waqfs of Zovari in the Safavid period. *The role of endowments in the promotion of the culture of pilgrimage*. Edited by, Abulfazl Hasanabadi. Mashhad: Islamic research foundation of Astan Quds Razavi. (in Persian)
- Nazarkardeh, A. (2012). the social base of real estate waqifan of Astan-Qods-Razavi. *Journal of Documentary and Archival Studies*, 1(1), 123-99. (in Persian).
- Nemati, B. (2015). A sample of the seal and signature of the custodians of Astan Quds Razavi in the Qajar period. *Ketab-e-Mah history and geography*. September and October 2015, numbers 107 and 108. (in Persian)
- Nikmehr, A. (2013). *Waqf in Mashhad in period Pahlavi*. Master's thesis. Dr. Ali Shariati Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. (in Persian)
- Pareneh, G. (2011). Management of Astan Quds Razavi Wagfs. *Astan Quds Razavi's special Waqf letter*. Mashhad: Secretariat of the Supreme Cultural Council of Astan Quds, 171-174. (in Persian)
- Razavi, A., & Rahnama – Hassanvand, S. (2017). Quiddity and the Grounds of Social History Development. *History of Islam*. Baqir al-Olum University, 18(69), 59-84. <https://doi.org/10.22081/hiq.2017.63457>. (in Persian)
- Riahi Samani, N. (1999). *Waqfs and the evolution of legislation in Waqfs*. Shiraz: Navid Publishing House. (in Persian)
- Sayyah, H. (1967). *The political memoirs of Haj Sayyah or the period of terror*. Edited by Sayfullah Golkar, Tehran: Ibn Sina Publishing House. (in Persian)
- Sayyedi, M. (1999). *History of the city of Mashhad*. Mashhad: Mashhad Municipality. (in Persian)
- Shahhoseyni, P. (2012). Comparative assessment of endowments during Qajar and Pahlavi periods. *Geography and development Quarterly*, 9(25), P. 17-38. (in Persian)
- Skocpol, T. (2009). *Vision and method in historical sociology*. Translated to Persian by Hashem Aghajari. Tehran: nashr-e-markaz. (in Persian)
- Suzanchi Kashani, A., & Jahangiri Kalate, K. (2012). Endowments of the Custodians of Astan Quds Razavi from the Safavid era to the end of the Qajar era. *Journal of Documentary and Archival Studies*, 1(1), 62-98. (in Persian)
- Taleban, M. (2012). *Methodological Essays on Social Sciences*. Tehran: The research institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution. (in Persian)
- Teah, M., Lwin, M., & Cheah, A. (2014). Moderating Role of Religious Beliefs on Attitudes towards Charities and Motivation to Donate. *Asia Pacific Journal of Marketing and Logistics*, 26(5), 738-760.
- Tommasi, F., Morandini, S., Meneghini, M., Ceschi, A., Sartori, R., & Gostimir, M. (2022). Why donate and for what? The pseudoinefficacy bias in donating behavior. *Psychological Applications and Trends 2022. Conference*. April 2022. DOI:10.36315/2022inpact084.
- Wiepking, P. (2008). *For the Love of Mankind: A Sociological Study on Charitable Giving*.
- Yate, C. E. (1986). *Khurasan and Sistan*. Translated to persian by Qudratullah Roshani Zaferanlou and Mehrdad Derari. Tehran: Yazdan Publishing House. (in Persian)
- Document Management Indexing database of Astan-Qods-Razavi.

پی‌نوشت‌ها

i. پرسش‌های اساسی مصاحبه عبارت بودند از: ۱- با توجه به نمودارها و داده‌ها در برخی زمان‌ها وقف رشد چشمگیری داشته یا بالعکس چه تحلیلی می‌توانید ارائه دهید. ۲- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی برای تحول واگذاری تولیت می‌توانید ارائه دهید. ۳- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی می‌توانید برای تحول عام یا خاص بودن وقف ارائه دهید. ۴- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی می‌توانید برای تغییرات در پایگاه‌های اجتماعی واقفان ارائه دهید. ۵- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی می‌توانید برای تغییرات در مصارف وقف ارائه دهید. ۶- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی می‌توانید برای تغییرات در پراکندگی جغرافیایی موقوفات ارائه دهید. ۷- با توجه به داده‌ها چه تحلیلی می‌توانید برای تغییرات در نوع رقبات وقفی ارائه دهید.

ii. موضوعات عبارتند از: فعالیت‌های شهری شامل: احداث، به‌سازی و تسطیح راه و معابر، نهرسازی، فعالیت‌های فرهنگی مانند: تأسیس مکتب‌خانه و تعمیر مدرسه، تشویق طلاب و اهل علم، ساخت اقامتگاه برای آن‌ها، تأسیس کتابخانه و قفسه‌بندی، تهیه فهرست قرآن‌ها و کتاب‌های خطی، چاپ کتاب، مرمت کتاب، مقرری به علما، عیدی به علما و سادات. بیوتات شامل رسیدگی به: تعمیرات و مرمت، تزئینات، ساخت رواق، کشیک‌خانه، نقاره‌خانه و درهای نقره و مطلا، انتقال آب به صحن. امور روشنایی مانند چراغ، قندیل، شمع، موتور برق. امور اقتصادی مانند: ساخت بازار، تشویق صاحبان صنایع، افزودن بر عواید و پرداخت قروض، اصلاحات مالی. تشکیلات اداری آستان شامل: ثبت و ضبط کارها، امور خدام مانند: نهار، دستمزد و مواجب، تنظیم نظام‌نامه کشیک‌ها. امور بهداشتی و درمانی شامل: ساخت حمام، امور دارالشفاء، جذامی‌خانه، تنقیح قنوات و لوله‌کشی آب. رفاهیات زائران شامل: ساخت کاروانسرا، مهمانخانه، مهمانسرا، هزینه‌های اقامت و برگشت. موقوفات شامل: تنظیم نحوه اداره موقوفات، بازپس‌گیری آن‌ها، نگهداری و تعمیر رقبات، افزایش مداخل آن‌ها، تهیه لیست موقوفات، رسیدگی به امور مستأجران.

iii. عبارتند از: موسی‌خان فراهانی، فضل‌الله وزیرنظام، محمدحسین قزوینی عضدالملک، محمدمیرزا سیف‌الدوله، سعیدخان انصاری، محمدتقی‌میرزا رکن‌الدوله، عبدالوهاب‌خان آصف‌الدوله، فتحعلی‌خان صاحب‌دیوان، ابوالفتح‌میرزا مویدالدوله، محمودخان مدیرالدوله، سلطان حسین‌میرزا نیرالدوله، میرزا ابوالقاسم نصیرالملک، مهدی‌قلی‌میرزا سهام‌الملک، مرتضی‌قلی‌خان طباطبایی، محمدعلی رضوی